

۱۵۴۲



### متن انگلیسی ۱

این جزوی اساسی است  
( مخصوص جامعه بیهائی است )

۱۳ - ۰۱



"... در جمیع احوال عباد را وصیت نمودیم به امانت و دیانت ..."

## اشرافات

### تلذکرات:

- ۱ - روی جزوای چیزی ننویسید.
  - ۲ - از علامت‌گذاری - حتی با مداد - اجتناب فرمائید.
  - ۳ - رعایت پاکیزگی در حفظ جزوای بشود.
  - ۴ - راس موعد مقرر و پس از پایان نیمسال ، جزوای متون درسی را به دوستان معارف محل مرجع فرما بید.
- \* رعایت این نکات بدین سبب ضروری است که دوستان دیگر شما نیز قرار است از این متون بعدا استفاده کنند.

# ساختار جملات انگلیسی

English Sentence Structure

انگلیسی ۱

Lessons: 1\_15

Lesson	Topic	Page	Date	Page	Topic	Date
1	Introduction	1		2	Parts of speech	
2	Adjectives	2		3	Adverbs	
3	Nouns	3		4	Verbs	
4	Adjectives	4		5	Adverbs	
5	Nouns	5		6	Verbs	
6	Adjectives	6		7	Adverbs	
7	Nouns	7		8	Verbs	
8	Adjectives	8		9	Adverbs	
9	Nouns	9		10	Verbs	
10	Adjectives	10		11	Adverbs	
11	Nouns	11		12	Verbs	
12	Adjectives	12		13	Adverbs	
13	Nouns	13		14	Verbs	
14	Adjectives	14		15	Adverbs	
15	Nouns	15				

بـه مـوقـعـيـت is در جـمـلـاتـ خـبـرـيـ وـسـوـالـيـ تـوـجـهـ كـنـيدـ . P.1

The book is green.

Is the book green ?

### توضیحات

فـرمـ سـوـالـيـ بـاـ لـاـ رـاـ زـمـاـشـيـ بـكـارـمـيـرـيمـ كـهـ جـوـابـ "ـآـرـيـ"ـ يـاـ "ـنـهـ"ـ بـاـشـدـ . درـزـيـانـ اـنـگـلـيـسـيـ بـرـخـلـافـ زـيـانـ فـارـسـيـ نـمـيـشـواـنـ تـنـهاـ باـ تـغـيـيرـاـ هـنـگـ وـهـ لـاـ وـهـاـشـيـنـ بـرـدـانـ صـداـ ،ـ جـمـلـهـاـيـ رـاـ بـصـورـتـ بـرـشـ دـرـآـ وـرـدـ بـلـكـهـ بـاـيـدـ اـرـ قـاعـدـهـ خـاصـيـ پـيـروـيـ شـمـسـودـ مـكـرـ درـ موـارـدـ اـسـتـشـنـاـشـ .

### تذکر :

كلـمـاـتـيـ ماـ نـمـنـدـ my pen, the pencil, a table اـسـمـ سـيـاهـشـلـوـ pen, nencil, table وـغـيـرهـ رـاـ عـبـارـاتـ اـسـمـيـ مـيـنـاـمـنـدـ . ولـىـ اـزـ آـنـجـاـ كـهـ هـرـجـاـ اـسـمـيـ بـكـارـدـ عـبـارـتـ اـسـمـيـ هـمـ مـيـتـواـنـدـ استـفـادـهـ شـوـدـ لـذـاـ درـاـيـيـنـ كـتـابـ وـقـيـ مـحـيـيـتـ اـرـعـبـارـتـ اـسـمـيـ مـيـشـوـدـ منـظـورـ هـمـ اـسـمـ اـسـتـ وـهـ عـبـارـتـ اـسـمـيـ



بـهـ مـطـابـقـتـ A.2 is باـ مـيـتـداـ (ـفـاعـلـ)ـ تـوـجـهـ كـنـيدـ . P.3

عبـارـتـ اـسـمـيـ				عبـارـتـ اـسـمـيـ			
sg.	(ضمـيرـ)	BE		pl	(ضمـيرـ)	BE	
1	I	AM	happy .	1	We	ARE	happy .
2	You	ARE	happy .	1	We	ARE	happy .
3	He	IS	happy	2	You	ARE	happy .
3	She	IS	happy .	3	They	ARE	happy .
3	It	IS	happy .	3	They	ARE	happy .

### توضـيـحـ

درـزـماـنـ حـالـ سـادـهـ سـهـ حـالـتـ دـارـدـ BE AM, ARE, IS

تذکـرـ: شـعـارـهـاـيـ ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳ـ اـشـارـهـ بـهـ اـولـ شـخـصـ، دـوـمـ شـخـصـ، وـسـومـ شـخـصـ اـسـتـ .  
sg. فـرمـكـوتـاـهـ كـلـمـهـ pl singular فـرمـكـوتـاـهـشـهـ كـلـمـهـ

A.3 - P.4 به شکل خلاصه شده am, are, is توجه کنید.

I'm busy.

### توضیحات

- این نوع اختصار از دارمکالمه متدال است. John's busy.

- این اشكال خلاصه شده درنوشتن نامهای غیررسمی بدوستان و خویشاں نیز بکار برده میشودونی درنوشتجات رسمی مانند راشه مقاالت درسی دردانشگاه باید از شکل کامل استفاده شود.

A.4 به این الگوها با فعل be توجه کنید. P.5

### توضیحات

فعل be درتمام این الگوهابکاربرده میشود. (صفات دیگری نیز مانند thirsty ... در این الگو بکار میروند: tired, cold, warm .....

الگواز فعل have نمیتوان استفاده نمود.

I am thirsty.

She is cold.

B. طرز استفاده جواب‌گویان توجه کنید. A.5 P.6

### توضیحات

هرگاه be آخرين کلمه جمله باشد نمیتوان آنرا بصورت شکل خلاصه شده بکاربرد مانند:

"Are you a student ?"

"Yes, I am ."

"Is she busy ?"

"Yes, she is ."

C. جوابهای کوتاه منفی توجه کنید : A.6 P.7

### توضیحات

I am not      I'm not      شکل خلاصه شده

Is not      "      "      isn't

Are not      "      "      aren't

توجه:

اشکال ذیرهم که جوابهای کوتاه منفی میباشد مانند اشکال بالا قابل قبول میباشد.

No, you're not.

No, we're not.

No, he's not.

No, you're not.

No, she's not.

No, they're not.

A.7 به طرز استفاده ضمایر توجه کنید.

## توضیحات

عبارت اسمی را نمیتوان بصورت کاملاً در جملات تکرار کرد، بجزای اجتناب از تکرار آنها باید از ضمایر استفاده نمود.

Is Jane a nurse? Yes, she is.

B.1 به اشکال جمع و مفرد اسمها و مورد استفاده "an" و "a" با اسمها مفرد توجه کنید.

## توضیحات

در این الگو "a" و "an" با اسمی مفرد قابل شمارش بکار رمیروند (a student).

(an apple) ولی با اسمهای جمع بسته شده بکار رمیروند. (students).

فرم "an" را تنها با کلماتی بکار برید که با حروف صدای ار

شروع میشوند. (a - e - i - o - u)

B.2 به اشکال جمع و مفرد اسمها مفرد توجه کنید.

توجه:

حرف "u" در کلماتی نظریر uncle و umbrella جزء حروف بی صدا و در لفاظی مانند university و uniform محسوب میشود.

an uncle a university

an umbrella a uniform

B.2 P.10 به شکل صفت‌ها و حرف تعریف the توجه کنید.

THE book is NEW.

THE books are NEW.

THE student is BUSY.

THE students are BUSY.

### توضیحات

در زبان انگلیسی صفات و حرف تعریف the فرم جمع ندارند. بشاید اینجا اضافی مفرد و جمع لیکنها را استفاده نمی‌شوند.

The book is green.

The books are green.

### Glossary

ترجمه لغات و اصطلاحات گرامری درس اول

equal	برابر	statement	جمله خبری
acceptable	قابل قبول	question	جمله سوالی
individually	بطوراً انفرادی	contraction	شكل خلاصه شده
true	صحيح - درست	singular (sg.)	مفرد
if necessary	در صورت لزوم	plural (Pl.)	جمع
the rest			البعض الآخر
review	دوباره - مرور	affirmative	مشتت
pronoun	ضمیر	substitute	جایگزین کردن
following	ذیل - دلیل	substitution	جایگزین (سازی)
		proper	مناسب
		position	موقعیت

A.1 به شکل فعل توجه کنید.

توضیحات

- ۱- افعال به غیراز be دو شکل زمان حال ساده دارند. یکی فرم ساده آن و دیگری اضافه شدن s در آخر فعل است.

۲- اضافه کردن s در آخر فعل برای سوم شخص مفرد بکار برده میشود.

He works.    John works.    Mary works. etc.

ای سقیه اشخاص و مدارس بکار می‌گیرد.

**Mary and John work** *at a good will*.

Mary and J.

Mary and John WOKR. 2. 2004 vol

**تکسر** : تلفظ s سوم شخص مفرد سه نوع میباشد /s/ / ماشند /talks, puts

brings, runs ماند /z/

brushes ماسنڈ /iz/

### Appendix - 22 - 1973

THERMOPHILIC

卷之三

—  
—  
—

POLYMER

CONTINUOUS

Digitized by srujanika@gmail.com

*J. R. S. S.* (1930-31) 289

#### REFERENCES

### Conclusions

#### REFERENCES

توضیحات

- اين الگوي سؤالى وقتی بکاربرده میشود که جمله سؤالى با آرچ یا نماینده جواب داده شود، با جملات مثبت ( فرم چمله خبری) نمی توان جمله سؤالى درست کرد مگر در موقعیت های خاص ( بعدا " توضیح داده خواهد شد ) .

### A.3 دو حالت "do" و "does" را در جملات سنتوا لی مقایسه کنید.

#### توضیحات

"عمولاً" do و does را برای درست کردن جملات سنتوا لی بکار میبریم. does را برای سوم شخص مفرد و do را برای سایر اشخاص بکار ببرید.

### B.4 به جوابهای کوتاه مثبت توجه کنید.

#### توضیحات

در جوابهای کوتاه بالا Yes, John likes coffee. یعنی Yes, he does.

و Yes, Mr. and Mrs. Allen like tea. یعنی Yes, they do.

توجه کنید که do و does جانشین عبارات فعلی میباشد.

در این مثال ها like tea بجای does coffee و likes coffee بجای do مده است.

### A.5 طرز استفاده جوابهای کوتاه منفی توجه کنید.

#### توضیحات

در جوابهای کوتاه منفی از doesn't و don't استفاده نمیشود.

### B.1 به موقعیت کلماتی مانند always توجه کنید و معانی آنها را با یکدیگر مقایسه کنید.

#### توضیحات

قیدهایی نظیر always (قیود تکراری کلمه‌ای) قبل از فعل اصلی می‌آیند و در مورد جملاتی که دارای فعل be میباشدند به قسمت B2 توجه کنید.

توجه : بعضی از این قیدها در موقعیت‌های دیگری نیز بکار می‌روند. مانند  
Sometimes I study at night.

واهن بستگی به تاء کیدی دارد که میخواهیم بر قسمی از جمله داشته باشیم مثلاً "در  
اینجا میخواهیم روی کلمه sometimes تاء کیدنما شیم" .

P.18

B.2 ب موقعیت be با فعل be توجه کنید و آنرا بالگوی B.1 مقایسه نمایید

### توضیحات

قیودی مانند always (قیود تکرار پک کلمه‌ای) بعد از فعل be(am, is, are) می‌آیند.

He is always busy.

P.19

B.3 ب موقعیت always در جملات سوالی توجه کنید.

### توضیحات

قیودی نظیر always چه در جملات سوالی و چه در جملات خبری قبل از فعل  
املي مانند study, arrive, go می‌آیند ولی با اشكال مختلف be(am, is, are)

Mary is always busy.

Is Mary always busy?

P.20

B.4 ب جملات سوالی با ever و جوابهای کوتاه توجه کنید.

### توضیحات

"بعضی" اصلًا یا "تا حال" میباشد و موقعیت آن در جمله مانند قیودی  
نظیر always است. این کلمه معمولاً در جملات سوالی بکار می‌رود.

Do you ever swim?

Are you ever late?

## تذکرات:

- ۱- دو جوابهای کوتاه جای قیود تکرار عوض میشود و باید قبل از فعل کمکی قرار گیرند.  
در این جوابها قیودی نظیر always قبل از اشکال do و be قرار میگیرند.
- Do you ever swim? Yes, I usually do.  
Are you ever late? Yes, I often am.

- ۲- کلمه ever در بعضی از جملات خبری نیز بکار میروند (به درس ۱۷ مراجعه نمائید)
- ۳- جوابهای کوتاه زیر با کلمه but نیز در برابر سوالهایی با کلمه ever میباشد.

Do you ever swim? Yes, but seldom.

## ترجمه لغات و اصطلاحات گرامری درس دوم

adverb	قید
--------	-----

adverbial	عبارت (قیدی)
-----------	--------------

correspond	مطابق بودن
------------	------------

additional	اضافی
------------	-------

multi-word adverbials	قیود چند کلمه‌ای
-----------------------	------------------

simple present tense	زمان حال ساده
----------------------	---------------

correlation	ارتباط - همیستگی
-------------	------------------

previous	گذشته - قبلی
----------	--------------

like this	ماستند این
-----------	------------

به موقعیت عبارات قیدی (املاخات قیدی) توجه کنید.

### توضیحات

۱- عبارات قیدی مکان (مشخص کننده موقعیت یا جهت) و زمان، همچنین قیود تکرار چند کلمه‌ای مانند every day بعد از فعل قرار می‌گیرند.

He studies in the morning.

دز صورتیکه فعل جمله دارای مفعول باشد این قیود بعد از مفعول قرار می‌گیرند

He studies English here.

۲- قید مکان قبل از قید زمان قرار می‌گیرد

He comes to class at 9:00

### تذکر:

۱- موقعیکه بیش از یک قید مکان در یک جمله بکار رود قیدی که واحد کوچکتر را نشان می‌دهد معمولاً قبل از واحد بزرگتر قرار می‌گیرد. در مورد قیود زمان نیز بهمین طریق عمل نمی‌شود.

مکان      He goes to class in that building.

زمان      He comes to class at 2:00 o'clock every day.

۲- بعضی از این قیوه در ابتدای جمله هم بکار می‌روند. برای توضیحات بیشتر و مثالها به درس ۲۹ مراجعه کنید.

B.1 به کاربردهای was و were توجه کنید.

### توضیحات

۱- was و were فرم‌های گذشته be می‌باشند.

۲- را برای اول شخص و سوم شخص مفرد و were را برای بقیه اشخاص بکار ببریست.

ب موقعت were و was در جملات سوالی توجه کنید B.2

John was busy.      The boys were busy.  
Was John busy?      Were the boys busy?

به جوابهای کوتاه توجه کنید B.3

الگوی قبلی: زمان حال (be) (الگوی قبلی: زمان حال (be))

Was John busy? Yes, he was. (الگوی جدید: گذشته (be))

به شکل گذشته (زمان گذشته) افعال توجه کنید C.1

### توضیحات

۱- افعال غیر از be فقط یک شکل در زمان گذشته دارند. یعنی پک شکل برای همه اشخاص

I walked.

You walked.

He walked.

۲- برای اکثر افعال (افعال با قاعده) پسوند -ed برای نشان دادن زمان گذشته بکار میرود.

به مورد استفاده did در جملات سوالی توجه کنید C.2

### توضیحات

۱- در الگوی فرم سوالی did در اول جملات گذشته بکار میرود.

۲- فعل اصلی بعورت شکل ساده (قسمت اول یا زمان حال) میباشد.

John worked here yesterday. (جمله خبری گذشته ساده)

Did John work here yesterday? (جمله سوالی گذشته ساده)

C.3 مورد استفاده جوابهای کوتاه توجه کنید.

Did John study yesterday? Yes he did.

Did John play yesterday? No, he didn't.

### ترجمه لغات و اصطلاحات گرامری

#### درس سوم

regular

باقاعدہ

expression

اصطلاح

previous

قبلی - گذشته

corresponding

معادل - برابر

additional

اضافی

appropriate

مناسب

change

تغیر

convert

تغییر دادن - تبدیل کردن

A.1 ترتیب قرار گرفتن کلمات را در سوالاتی که با Yes و No جواب داده میشوند و سوالاتی که با کلمات استنها می شروع میشوند مقایسه کنید.

### توضیحات

- ۱- بعدهار کلمات استنها می که با when, where, who, ..... شروع میشوند باشد فرم سوالی جملات را استفاده کرد و بر حسب زمان جمله از افعال کمکی did, does, do, ... نیز استفاده کرد.
- ۲- بدینهی است که who را برای اشخاص، what را برای اشیاء، when بجای قید زمان، where را بجای قید مکان استفاده میکنیم.

### تذکر:

در این الگو کلمات استنها می بجای قسمتهای مختلف گوازه (predicate) جمله استفاده شده‌اند. مورد استفاده کلمات استنها می بجای نهاد (قا عل) در درس و مجموعی خواهد شدند.

### تذکر:

در این الگو who (برای حالت مفعولی) در انگلیسی غیر رسمی استفاده میشود که در معاوره، یادداشتها و نامه‌ها بین دوستان و خویشاوندان بکار میروند. فرم استاندارد رسمی میباشد که در سخنراشی ها و نویشهای رسمی از قبیل مقالات درسی دانشگاهی استفاده میشود.

( او هر روز چه کسی را ملاقات میکنم )

Who does he visit every day?

Whom does he visit every day?

A.2 به ترتیب قرار گرفتن کلمات در جملات سوالی با فعل "بودن" توجه کنید

### توضیحات

- ۱- کلمات استنها می دراول جملات سوالی قرار میگیرند.

Where is John?

۲- سایر اجزاء این الگو با جملات سئوالی که Yes یا No در جواب آنها گفته میشود یکی است، اشکال مختلف (am, is, are, was, were), be قبل از مبتداء اقرار میگیرند.

Who was that man?

P.34

A.3 به طرز استفاده از عبارت do what توجه کنید: انت اینجا است

**توضیحات**

بعای فعل و سایر فرمتهای اساسی عبارت فعلی استفاده میشود. در این مثال do what مطابق با عبارت فعلی study English میباشد.

جان هر روز چه کار میکند؟ What does John do every day?

P.35

A.4 به موقعیت حروف اضافه توجه کنید: به لطف این حروف اضافه میتوانند از افعال میتوانند با حروف اضافه متعدد و در نتیجه با معانی مختلفی بکار روند مانند look at (نگاه کردن به) و look for (دنبال کشتن)؛ اگر چنین افعالی در جملات سئوالی با کلمات استفها می استفاده شوند حروف اضافه آنها معمولاً در کنار فعل مربوطه باقی میمانند.

به چه نگاه کردید? What did you look at?

او دنبال چه کسی گشت Who did he look for?

با این توجه داشت که مطلب فوق وقتی مدققاً است که ما راجع به مفعول فعل سئوال نمائیم و اگر این حروف اضافه مربوط به قید مکان یا زمان جمله باشد معمولاً حذف میشوند.

John works ON WEDNESDAY.

When does John work?

P.36

B.1 به مورد استفاده زمان حال ساده واستمراری توجه نموده و آنها را با یکدیگر مایه نمایید.

**توضیحات**

از زمان حال ساده برای بیان عملی که بطور عادت یا مکرر اتفاق می افتد استفاده میشود.

I take a bus every day.

۲- زمان حال استمراری که با فعل "بودن" (be) و ing فرم فعل اصلی درست میشود نشان دهنده عمل یا اتفاقی است که در لحظه بیان آن در جریان باشد ولی این امکان هم وجوددارد که هر لحظه خاتمه باید.

تذکر: زمان حال استمراری میتواند با عبارات قبیدی از قبیل today, this week We're studying verbs today. هم بکار رود. this century

P.38

B.2 به مورداستفاده زمان حال ساده افعالی نظریه کنید.

He likes milk.

He wants the book now.

### توضیح

۱- افعالی نظریه mean, know, have, be, want, understand, see, . . . . .

بیانگر عمل ویا واقعه‌ای میباشد بلکه وضعیت یا حالتی را مشخص میکند.

۲- چنین افعالی بندزرت به فرم زمان استمراری بکار میروند. بنابراین برای بیان وضعیت و حالات فوق الذکر از زمان حال ساده استفاده میکنیم.

مثال:

He likes milk.

بنابراین جمله He's liking milk. غلط است.

تذکر: توجه نمایید که در جمله زیرکه بصورت زمان حال استمراری بیان شده است دارای دو عمل ارادی میباشد:

A1- I am looking at an apple.

B1- I am listening to John.

در حالیکه در جمله A2 و B2 دارای افعالی میباشند که غیر ارادی بوده و حالت را میرسانند.

A2- I see an apple.

B2- I hear John.

B.3 به فرم سوالی جملاتی با فعل be و جوابهای کوتاه آنها توجه کنید.

P.39

جمله خبری

John is studying grammar.

جمله سوالی

Is John studying grammar?

جوابهای کوتاه

Yes, he is.

No, he isn't.

### توضیح

سوالی سوالی کردن جملاتی با فعل be(am, is, are) این فعل را باید در اول جمله

(قبل از فعل یا میتدا) قرار دهید.

B.3 را بباشد سوالهای کلمات استفها می (wh.....) مقایسه کنید.

جمله خبری John is studying grammar.

جمله سوالی Is John studying grammar?

سؤالی با کلمه استفها می What is John studying? Grammar.

C. به فرم و موقعیت توصیف کننده ها توجه کنید.

۱- توصیف کننده یک اسم هم میتواند یک صفت باشد نظیر (small, new) وهم اسم دیگری مانند (book, shoe)

۲- چنین توصیف کننده هایی قبیل از اسم اصلی قرار میگیرند.

۳- فرم توصیف کننده ها برای اسمی مفرد و جمع یکی میباشد.

۴- در ترکیب استفاده از اسمی برای توصیف کردن اسم دیگر noun+noun pattern فشار صدا بر روی اسم توصیف کننده میباشد و نه اسم اصلی (موصوف) :

adjective+noun ولی در ترکیب صفت و اسم bookstore فشار

اصلی بر روی اسم میباشد : new store بجز وقتیکه بخواهیم بر روی صفت تاء کرد کنیم.

. تذکر: لغاتی نظیر drugstore, shoestore, bookstore معمولاً "بصورت یک کلمه نوشته میشوند یعنی بدون فاصله ای بین دو اسم ولی بطورکلی اکثراً "توصیف کننده ها از موصوف جدا نوشته میشوند از قبیل : grammar book, grocery store, furniture store وغیره .

به مثالهای زیر با معانی آنها توجه کنید

یعنی بطری شیر A milk bottle

یعنی داشکدهای کمدرآ نمیتوانید حقوق بخوانید (داشکده حد ق)

یعنی توبوسی که کودکان را به مدرسه میبرد (اتوبوس مدرسه)

یعنی فنجانی که برای خوردن قهوه بکار میرود (فنجا نقهوه خوری)

با توجه به مثالهای فوق که در همه آنها از اسمی بعنوان صفت اسم دیگری استفاده شده است

به این نتیجه میرسیم که این ترکیب ها همگی دارای یک کاربرد از نظر مفهوم نمیباشند.

ا- ترجمه لغات و اصطلاحات فرا مری درس :

compare	مقایسه کردن
word order	ترتیب فرا رکرفتن کلمات
type	نوع
such as	از قبیل ، مثل
auxiliary	(فعل) کمکی
predicate	خبر جمله - گزاره
essential	ضروری، اساسی، مهم
century	قرن
possess	مالک بودن، در اختیار داشتن
rather than	تا (أینکه)
express	بیان کردن
precede	قبل از (جزی) فرا رکرفتن مقدم بودن (بر)
discuss	بحث کردن راجع به
include	گنجاندن - منظور کردن
voluntary	ارادی
permissible	مجاز - جائز
notation	تذکر - یادداشت
present progressive	حال استمراری
actually	دروافع
in progress	در حال اتحام - در حال پیشرفت
moment	لحظه
idea	فکر - عقیده - مفهوم
stress	نکره یا فشار صدا
unless	مگراینکه
emphasize	تاء کیدکردن بر
"that is"	بدین معنی که
in general	بطورکلی
however	هرچند - لکن

A.1 به مورد استفاده فعل going to be برای درست کردن زمان آینده توجه کنید.

I am going to read tomorrow. (میخواهم فردا مطالعه کنم)

You are going to read tomorrow.

He is going to read tomorrow.

#### توضیح

از اشکال فعل be و عبارت going to با ضافه شکل ساده فعل برای بیان زمان آینده استفاده میکنیم، این فرم زمان آینده "معمولًا" قصد و تصمیم فاعل جمله را نیز میرساند.

#### تذکرات :

۱- در الگوی با لا معمولاً اشکال مختلفه be در صحبت کردن ونوشته جات غیر رسمی کوتاه میشود. مثال :

I'm going to read tomorrow.

۲- فعل کمکی will که برای بیان زمان آینده بکار میروند در درس ۱۱ مورد بحث قرار میگیرد.

A.2 ترتیب قرار گرفتن کلمات را در جملات خبری و سوالی مقایسه کنید.

B.1 به فرم منفی توجه کنید:

#### توضیح

این فرم‌های کوتاه شده با فرم جوابهای کوتاه که قبلًا بحث شده است یکی است

#### تذکر :

فرم‌های خلاصه شده زیر نیز قابل قبول است :

Your're not busy.

He's not busy.

B.2 به فرم منفی افعالی غیراز فعل be توجه کنید.

### توضیحات

این نوع اختمارات همانند اختماراتی است که در "جو بهای کوتاه" یا ان اشاره شده است.

C. به طرز قرارگرفتن isn't و doesn't توجه کنید.

و isn't (واسایر فرم های فعل be) و doesn't (واسایر افعال کمکی) معمولاً قبل از قبود تکرا ریک کلمه ای قرار میگیرد.

Mary isn't always busy.

John doesn't always study at night.

### قبود تکرا ریک کلمه ای

always	همیشه	seldom	سندرت
usually	"معمول"	rarely	سندرت
often	اعلی	hardly	بسختی - به زحمت
sometimes	بعضی اوقات	never	هرگز

### تذکرات:

۱- افعال کمکی کلماتی هستند نظیر must, can, doesn't, does, don't, do,

در این جمله have always worked at night. یک فعل کمکی میباشد.

۲- کلمه sometimes در واقع حالتی استثنایی نسبت به توضیح C دارد.

این کلمه قبل از افعال کمکی منفی و فرم منفی فعل be قرار میگیرد.

He sometimes doesn't know the answer.

He sometimes isn't here.

در مورد sometimes در درس دوم صفحه ۱۷ (دروسمت note) توضیح بیشتر داده شده است

D. به طرز استفاده از some و any توجه کنید.

### توضیحات

۱- کلمه some که معمولاً بدون فشار صدایان مینشود به معنی "تعدادی" (با اسامی قابل شمارش) است.

(some books, some pencils, some students.)

ویا مقداری (با اسامی غیرقابل شمارش) some milk, some bread, some fruit, آن معقولاً در عبارات مبنفی any بجای some بکار می‌رود. در جملات سؤالی نیز (\*) any و some بکار می‌روند.

## تذکر:

some و any میتوانند بعنوان ضمیر نیز استفاده شوند. برای مثال در جواب سؤال زیر some بجای any some stamps و any بجای any stamps بکار رفته است.

Do you have any stamps? Yes, I have some.  
No, I don't have any.

(\*) کلمه some در تعارفات ویا هنگامی که گوینده انتظار جواب مثبت دارد، در جملات سؤالی نیز استفاده می‌شود.

Would you like some tea?

Can you lend me some money?

A. به مورداستفاده حرف تعریف a و the توجه کنید.

I bought a comb and a pencil yesterday.

The comb is black and the pencil is red.

### توضیحات

۱- در جمله اول حرف تعریف a بروای این بکار رفته که نشان دهد کلمات

comb و pencil که گوینده راجع به آنها صحبت میکنند را اولین بار

به آنها اشاره شده است و بتایرا این نام معین میباشد.

۲- در جمله دوم حرف تعریف the بروای این بکار رفته که نشان دهد کلمات

comb و pencil مشخص شده اند. بدین معنی که شنونده میداند گوینده

راجع به comb و pencil بخصوصی صحبت میکند.

به نکاتی در مورد حرف تعریف در زبان انگلیسی توجه کنید:

کلمات the, an, a حروف تعریف هستند. بطور کلی حرف تعریف معین the را وقتی

بکار میبریم که اسم بعد از آن مشخص شده باشد. بدین معنی که مطمئن هستیم شنونده

میداند راجع به چه شخص، شیئی یا مکانی صحبت میکنیم.

برای مشخص کردن اسم سه طریق وجود دارد.

۱- قادر نشان میدهد که اسم با حرف تعریف the میتواند مشخص گردد.

۲- در جملات ذیل اسم بوسیله عبارتی مشخص شده است:

The book on Mr. Allen's desk is yellow.

The philosophy of Aristotle is interesting.

I like the hat that you are wearing.

(چندین عبارتی اغلب برای مشخص کردن اسم کافیست)

۳- در بعضی موارد از شرایط موجود میتوان مشخص نودن اسم را استنباط کرد. مثلاً

وقتی معلم بپرسد Is the door open? شما میدانیدا و راجع به در کلاس صحبت میکند.

در واقع وقتی در مکانی از شیئی یا فرد بخصوصی تنها یکی وجود داشته باشد آفرادی که

در آن مکان زندگی میکنندیها حضوردا رند در موردا این شیئی یا شخص حاضر از لذهن هستند.

The park is closed today.

The president is in India now.

حرف تعریف a,an را وقتی میتوان بکار برد که اسم نامعینی را بخواهیم  
عنوان کنیم ماتنند کادر A . استفاده مهم دیگر a,an در جملات توصیفی  
یا طبقه بندی(شغلی) میباشد . (درس اول)

John is a student.

Paris is a city.

Tom is an engineer.

فرم غیرشائمه کنید one لئے میباشد . one/a وقتو استفاده میکنیم کم a,an  
پرشدعاً شاء کنید ذاته باشیم . مثال : این دو خمله را با هم مقایسه کنید .

One boy arrived late, not two.

A boy arrived late; not a girl.

ذکر the را بآشنا می اشخا ص(۱) ، پیشتر کشورها (۲) ، خیابانها (۳) ، زبانها

کفتن وقت (۴) ، استفاده شخصی کنیم .

(1) Tom is here.

(2) Iran is a beautiful country. \*

(3) I live on Elm Street.

(4) I know English. \*\*

(5) I get up at 6 o'clock.

\* بآنام بعضی از کشورها ، مناطق و شهرها حرف تعریف the بکار میبرود . مثال :

The United States of America (the U.S.A.)

The United Kingdom (the U.K.)

The Cape of Good Hope

The Dominican Republic

The Netherlands

The Middle East

The Hague

بآنام مجمع الجزرها (۱) ، سلسله جبالها (۲) ، رودخانهها (۳) حرف تعریف

استفاده نمیشود . مثال : the

(1) the Philippines

(2) the Himalayas

(3) the Rhine

اگر کلمه language بعد از زبان امور انتظار بکار رود حرف تعریف the را بکار نمیبریم .

I can speak French.

I can speak the French language.

تذکر: وقتی که عبارت اسمی بطورعام بکار رود قبل از آن معمولاً "از حرف تعریف the استفاده نمی کنیم، مثال: John likes milk.

Mary's studying history.

ولی اگر بعد از آن عبارتی توصیفی استفاده شود حرف تعریف the را بکار می بیریم.

(به تذکر بعد از کا در A توجه کنید) مثال:

The milk in this glass is hot.

Mary is studying the history of the United States.

تذکر: وقتی اسم دانشکده یا دانشگاهی با عبارات اسمی و حرف اضافه of همراه باشد p.57

با لفظ معمولاً "حرف تعریف the با آن استفاده می شود.

مثال: The University of Michigan.

Harvard University

B. اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش را بهم مقایسه کنید:

### توضیحات

بطور معمول قبل از اسم غیرقابل شمارش نمی توانیم از اعداد استفاده کنیم  
مثلاً "اینکه این اسمی فرم جمع هم ندارند.

(اسم قابل شمارش)

(اسم غیرقابل شمارش)

تذکر: در موارد خاصی انسا من غیرقابل شمارش اما تندسا من قابل شمارش استفاده می شوند.

(واشا من قابل شمارش مانند اسا من غیرقابل شمارش)

مثلاً در یک رستوران ممکن است شما چنین جمله‌ای را بشنوید:

"Two coffees, please."

که ناین موضوع بیشتر در محاوره قابل قبول است.

P.58 تذکر: some با فرم جمع اسامی قابل شمارش نیز استفاده می شود.

تعدادی مداد (اسم قابل شمارش)

مقداری جوهر (اسم غیرقابل شمارش)

P.59 تذکر : مورد استفاده حروف تعریف some, the, a, an با اسمی در جدول زیر خلاصه شده است.

P.60 به اصطلاحات کمیت که با اسم قابل شمارش apple و اسم غیرقابل شمارش water استفاده شده است توجه کنید.

شواخص	
-۱	a few (تعدادی) و many (تعداد زیادی) با فرم جمع اسمی قابل شمارش استفاده میشوند.
-۲	a little (مقداری) و much (مقدار زیادی) با اسمی غیرقابل شمارش استفاده میشوند.
-۳	a lot of (مقدار زیاد یا تعداد زیاد) با اسمی غیرقابل شمارش و فرم جمع اسمی قابل شمارش استفاده میشوند.

تذکر : ۱- ندو اصطلاحات کمیتی much, many "ممولاً" با اسم یا عبارات اسمی مفعولی در جملات مثبت استفاده نمی شود. این کلمات بیشتر اوقات در جملات منفی (۱) و سوالی (۲) و عبارات اسمی فاعلی در جملات مثبت (۳) بکار میروند (به تذکر بساز قسمت ۲ توجه کنید).

(1) I don't have much money.

(2) Was much of the coffee hot?

(3) Many people work here.

در عبارات اسمی مفعولی در جملات مثبت معمولاً از a large amount of

(مقدار زیاد) a great deal of (مقدار زیاد) و اصطلاحات

مشابه‌ای بجای much و many استفاده میشود. این قاعده بخصوص

در موارد غیررسمی رعایت میشود.

We buy a great deal of sugar.

I know a lot of people here.

۲- به تفاوت بین a little, little, a few توجه کنید، اگرچه هم  
ـ (تعدادی) و (مقداری) کمیت مثبتی را نشان می‌دهند.

در حالیکه few (تعدادی) و little (مقداری) کمیت منفی را نشان می‌دهند.

(تعدادی دوست) few friends

(مقداری چای) little tea

P.62 ذکر: اصطلاحات منعی مانند (none=not any) none, not all, not much, not many

معنی میتوانند در قسمت نهاد (فاعل) جملات استفاده شوند.

Not many books are here! (۱)

None of the coffee is good. (۲)

هم فرم مفرد وهم فرم جمع افعال میتوانند بعذار all و none استفاده شود

بعضی عبارت معنی not all...is و not all...are وغیره باشند.

عبارت اسمی که بعذار of استفاده میشود مشخص کننده میباشد که آن است که آنها فعل

باید مفرد باشد یا جمع مثاباً باشد.

Not all of the boys are here. (۱)

Not all of the coffee is here. (۲)

به معنی و مورد استفاده صفات اشاره توجه کنید.

P.63

در زبان انگلیسی فقط دو صفت (اشارة) that و this و با موصوف خود مطابقت

دارند. بدین معنی که اگر اسام بعذار آنها مفرد باشد that و this استفاده

میشود و اگر اسام جمع این کلمات those, these (those, these) باشند آنها بکار

برده. این کتاب لیهای this book این کتاب these books آن کتاب those books

آن کتابها that book آن کتاب those books

P.64 ذکر: صفات اشاره فرم مفعولی ندارند بنا بر این چه فاعل را توصیف کنند و چه مفعول را تفاوتی در فرم آنها بوجود نمی آید.

بـه فرم صفات ملکی توجه گنید.

### توضیحات

از صفات ملکی بـراـی اـسـا مـیـمـرـدـوـجـمـع بـکـفـرـمـ دـارـدـ.

My book

My books

- ۲- بـراـی اـشـارـه به اـعـضـاءـ بـدـنـ خـودـ یـاـ دـیـکـرـانـ اـزـ صـافـاتـ مـلـکـیـ استـفادـهـ کـنـیدـ
- |                      |                 |
|----------------------|-----------------|
| His hands are dirty. | و نـهـ اـزـ the |
| My head aches.       |                 |

تذکر : اـسـا مـنـ قـاـبـلـ شـماـرـشـ مـغـرـدـ شـفـرـیـباـ هـمـیـشـهـ بـاـ بـکـ حـرـفـ تـعـرـیـفـ (۱)، مـلـکـتـ اـشـارـهـ (۲)

وـیـاـ صـفـتـ مـلـکـیـ (۳) هـمـرـاـهـ مـیـباـشـدـ.

(1) I have a car.

(2) This car is old.

(3) MY car is new.

P. 65 تذکر : اـسـهـاـ نـظـورـیـکـهـ درـبـاـ لـاـشـارـهـشـ اـصـطـلاحـ کـمـیـشـ allـ هـمـ بـاـ اـسـاـ مـنـ قـاـبـلـ شـماـرـشـ جـمـعـ

وـهـمـ بـاـ اـسـاـ مـیـ غـيـرـقـاـ بـلـ شـماـرـشـ اـسـتـفـادـهـ مـیـشـودـ.

(1) ALL APPLES grow on trees.

(2) John wanted ALL (of) the APPLES.

(3) ALL WATER contains oxygen.

(4) John used ALL (of)our WATER.

(5) We need ALL(of)this COFFEE.

(6) She invited ALL(of)her FRIENDS.

در جملات ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۴۱۰، ۲۴۱۱، ۲۴۱۲، ۲۴۱۳، ۲۴۱۴، ۲۴۱۵، ۲۴۱۶، ۲۴۱۷، ۲۴۱۸، ۲۴۱۹، ۲۴۱۰۰، ۲۴۱۰۱، ۲۴۱۰۲، ۲۴۱۰۳، ۲۴۱۰۴، ۲۴۱۰۵، ۲۴۱۰۶، ۲۴۱۰۷، ۲۴۱۰۸، ۲۴۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۲، ۲۴۱۰۱۳، ۲۴۱۰۱۴، ۲۴۱۰۱۵، ۲۴۱۰۱۶، ۲۴۱۰۱۷، ۲۴۱۰۱۸، ۲۴۱۰۱۹، ۲۴۱۰۱۰۰، ۲۴۱۰۱۰۱، ۲۴۱۰۱۰۲، ۲۴۱۰۱۰۳، ۲۴۱۰۱۰۴، ۲۴۱۰۱۰۵، ۲۴۱۰۱۰۶، ۲۴۱۰۱۰۷، ۲۴۱۰۱۰۸، ۲۴۱۰۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۶، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۷، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۸، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۹، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۰، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۱، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۲، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۳، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۴، ۲۴۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۱۵، ۲۴۱۰۱۰۱۰

P. 66 A:- ب جملات امری مو دبانه توجیه کنید:

<p><b>منبت</b></p> <p><b>منبت مو دباده</b></p> <p><b>منبع</b></p>	<p>Please open your books .</p> <p>Would you please open your books.</p> <p>Please don't open the door.</p>	<p>(A)</p>
---	---	------------

**دو خواستی که شامل گوینده نیز میشود**

<p><b>مثبت</b></p> <p><b>منفی</b></p>	<p><b>Let's watch television.</b></p> <p><b>Let's not watch television.</b></p>
	<p><b>توضیحات</b></p>
	<p>۱- در جملات الکوی (A) کلمه <b>please</b> را میتوان حذف کرد ولی استفاده از آن کلمه جملات دخواستی را موّدبه نمینماید.</p> <p>رامیتوان در آخر جمله نیز بکار ببرد.</p> <p>Open your books, please.</p>
would	<p>۲- کلمه <b>not</b> را فقط برای منفی کردن جملات امری که دزان ویا فعل کمکی دیگر علاوه بر فعل اصلی وجود دارد (۳) بکار میبیریم.</p> <p>لطفاً "دا دن ز تید" بیا شید دیگر شکوه نکنیم</p> <p>لطفاً "دا دن ز تید" لطفاً "ندوید"</p>
	<p>Don't را فقط دزاولین جمله الکوی (A) میتوان بکار برد</p> <p>Please don't open your books.</p> <p>Don't open your books, please.</p>

**تذکر:** صفت را بحسب کیفیت طبیعت آن، یعنی مدنظر از نظر انتظامی، تحریر و بدهان

الگوهای زیرنیز علیرغم داشتن ساختار جملات سئوالی صرفاً "برای بیان تقاضا" درخواست بکار می‌روند.

بنجره را بازکنید

(بیا نماید) برویم سینما

Why don't you open the window.

Why don't we go to the movies.

جمله‌ای که با ..... شروع می‌شود برای دعوت یا تعارف بکار می‌رود و مانند یک سوال درجواب آن از Yes یا No استفاده می‌کنیم بنا برای من مفهوم وکاربرد آن با جملات درخواستی فوق متفاوت است.

A: Would you like to go to the movies? ما یلیید به سینما بروید؟

B: Yes, I would like to.

A: Would you like to have some tea?

B: No, thank you.

چاشی میل دارید؟

B. به فرم جمع بی‌قاعده اضافی ذیرنویجه کنید:

P. 68

### فرد

### جمع

man	men
gentleman	gentlemen
policeman	policemen
businessman	businessmen
woman	women
child	children
wife	wives
knife	knives
loaf	loaves
shelf	shelves
foot	feet
tooth	teeth
mouse	mice
sheep	sheep
fish	fish

people  
police  
clothes

### توضیحات

- کلمات clothes , police , people (البسه) فرم مفرد ندارند و اگر

فاعل (یا مبتدای) جمله‌ای باشد فعل آن جمله باید بصورت جمع بکار رود.

My clothes need washing.

The police are here.

People were grateful.

- تلفظ حرف a در کلمه man مانند حرف a در کلمه can میباشد و در فرم جمع

ن men حرف e مانند e در کلمه ten تلفظ میشود در حالیکه این کلمه

در ترکیب با کلمات دیگر برای فرم gentleman, policeman, postman

مفرد و جمع آن gentlemen, policemen, postmen تفاوت

محسوسی وجود ندارد. مثلاً حرف a در کلمه postman مانند a در کلمه

about تلفظ میشود. فرم جمع این کلمه (postmen) نیز تقریباً "دارای همین تلفظ است.

- در مورد کلمه woman و جمع آن women اختلاف تلفظ فقط در بخش

اول این دو کلمه وجود دارد. (حروف oo در فرم مفرد مانند oo در کلمه

took تلفظ میشود و در فرم جمع مانند i در کلمه hit ) و در بخش

دوم an و en تفاوت محسوسی وجود ندارد.

### تذکیر:

news اسمی است غیرقا بل شمارش واگر فاعل (یا مبتدای) جمله‌ای قرار گیرد

باید از فعل مفرد استفاده کرد.

The news makes them happy.

The news was interesting.

**الگوی سابق ( درس ۵ قسمت D ) :**

A: Did you buy ANY pencils yesterday ?

B: No, I'm going to buy SOME tomorrow .

**الگوی جدید :**

A: Did you buy A PENCIL yesterday ?

B: No, I'm going to buy ONE tomorrow .

**توضیح**

درجواب سؤال الگوی جدید کلمه ONE بجای A PENCIL بکار رفته است .

دواقع میتوان گفت که one ضمیری است که بجای اسمی نامعین که مفرد وقابل

شناو شنیده شده بکار میروند .

A: Do you have a book ?

B: Yes, I have one .

A: Did you buy an umbrella ?

B: Yes, I bought one .

P.70 تذکر : اگر اسمی معین و مفرد باشد مانند the pencil, the car, the book وغیره

برای ضمیر آن باید از کلمه it استفاده نمود .

مداد را احتیاج دارم . آیا (آن) نزد جان است ؟

I need the pencil. Does John have it ?

A: Did you send the letter ?

B: Yes, I sent it yesterday.

آیا نامه را پرستادید

بله آنرا دیروز فرستادم

I have a pen here on the table.

I have ANOTHER ONE at home.

This one is old, and THE OTHER ONE is new.

### توضیحات

-1 other یعنی "دیگری، سایر" یا "اضافی"

-2 کلمه another که از ترکیب an و other درست شده است با توجه به معنی (حرف تعریف نا معین) an, چه بصورت صفت قبل از اسم و چه بصورت ضمیر، معمولاً برای اسم مفرد قابل شمارش و نا معین بکار می رود،

This shirt is not my size. Please show me another (one).

این پیراهن اندازه من نیست. لطفاً پیراهن دیگری بمن نشان دهید.

-3 عبارت the other با توجه به حرف تعریف معین the اشاره به اسمی مشخص مینماید.

There are two cars in the yard. The white one is mine and  
the other is my father's.  
 ===

دو اتوموبیل در حیاط است. سفیده (سفیدرنگه) مال من است و دیگری مال پدرم میباشد.

بدیهی است که در مثالهای الگوی فوق another one بجای ONE the other pen بکار رفته است. در مورد

در قسمت C توضیح کافی داده شده است.

### P.72 تذکر: بعداز کلمه other میتوان اسم جمع نیز بکاربرد

(the) other pens

(the) other students

(the) other classes

(the) other cars

(the) other people

(the) other ones

Some of the boys stayed at school. The other students went home.

(A)

اگر بعداز other اسم جمع بکاربریم میتوانیم (the)others از (the)others بجای تمام عبارت اسمی استفاده کنیم. مثلاً جمله فوق را میتوان بحالت زیرهم نوشت:

Some of the boys stayed at school. The others went home.

(B)

فرم (B) از (A) متداول تر است.

درواقع کلمه others صمیری است بجای other و یک اسم جمع.

other یا اسمی غیرقا بل شما رش نیز بکار میروند.

some other furniture

any other information

some other news

P. 73 ذکر: اسم بعد از other یا another میتواند با صفت بکار رود.

another old book

the other green bananas

some other old blue shirt

other young American students

یا other دیگر

سایر موزهای سبز

یک پیرا هن آسی قدیمی دیگر

قبل از other بجای the other یا an میتوان از صفات اشاره (۱) یا صفات ملکی (۲) نیز استفاده نمود.

this other old book

(1) those other young Americans  
that other car

(2) Your other old blue shirt  
his other books

نهمین میتوان قبل از an, the صفات اشاره و صفات ملکی از اصطلاحات

a lot of the other old books کمیتی نیز استفاده نمود.

None of your other old blue shirts.

E. به ضمایر شخصی توجه کنید:

### الگوی سابق: شکل فاعلی ضمایر شخصی

مشهود

جمع

I you he, she, it	we you they
-------------------------	-------------------

## الگوی جدید: شکل مفعولی صماش شخصی

مفرد	جمع	
مرا - (بعن)	me	ما را - (بما)
تورا - (بتو)	you	شما را - (بشما)
اورا، آن را - (به او و به آن)	him, her, it	آنها را - (با نها)

### صماش فاعلی

### صماش مفعولی

He	sees	me
She	sees	you
It	followed	him
etc.		

تذکر : بعده حروف اضافه باید از صماش مفعولی استفاده ننمود

to	about
by	near
for	above
with	under
before	beside
after	between
from	among
toward	etc.

me	us
you	you
him	them
her	
it	

I go to school with her.

I feel lonely without them.

She sat between me and Helen.

Father left home after us.

Lesson 8

SH I

A.1 سه ترتیب قرار گرفتن Mary و to Mary در نوش مفعول غیر مستقیم توجه کنید P.76

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| A | He is going to give a book TO MARY. |
| B | He is going to give Mary a book.    |

توضیحات

۱- برای افعالی مانند GIVE که دو مفعول میگیرند میتوان از دو الگو استفاده کرد.

در دو الگوی فوق a book و Mary مفعول

غیرمستقیم میباشد.

D.O. = Direct Object

مفعول مستقیم

I.O. = Indirect Object

مفعول غیرمستقیم

به فرم دو الگوی فوق توجه کنید :

A VERB + D.O. + to I.O.

give a book to Mary

B VERB + I.O. + D.O.

give Mary a book

باتوجه به فرم دو الگوی فوق نتیجه میگیریم که اگر مفعول مستقیم فعلی اول باید مفعول غیرمستقیم آنرا باید با حرف اضافه آن فعل بکار ببریم (الگوی A) ولی اگر مفعول غیرمستقیم اول قرار گیرد حرف اضافه آنرا نمی آوریم (الگوی B)

۲- به چند فعل دیگر که در دو الگوی فوق قرار میگیرند توجه کنید :

write	tell	bring
read	sell	take
show	send	pass
teach	lend	hand = give

**Examples :**

A

He wrote a letter to me .

She lent some money to Jim.

\* I took the book to John.

Hand the knife to me.

B

He wrote me a letter.

She lent Jim some money.

I took John the book.

Hand me the knife.

تذکر: بعض افعال با حرف اضافه from بکار میروند و این بستگی به معنی فعل

مورد نظر دارد، مثل "take" فعل \* در الگوی بلا (A) معنی "بردن" میباشد

بنابراین حرف اضافه آن to میباشد ولی اگر این فعل را معنی "گرفتن"

بکار ببریم حرف اضافه آن from خواهد بود که در این حالت فقط از الگوی (A)

میتوانیم استفاده کنیم و بعبارت دیگر در مورد افعالی که با from بکار

میروند حرف اضافه اول نمیتوان حذف نمود.

I took this pen from Rosa .

He borrowed something from us.

به چند فعل دیگر که با from بکار میروند توجه کنید :

demand receive

steal borrow

A.2 P.77 به مورد استفاده مفعول غیر مستقیم بعد از فعل ask توجه کنید.

B He asked THE TEACHER a question.

B Please ask HIM his telephone number.

### توضیحات

فعل ask معمولاً در الگوی B بکار میرود .

تذکرہ: تعداد افعالی کہ مانند ask فقط درالگوی B بکار میروند زیاد نہیں۔ بعضی

از این افعال عبارتند از:

cost The book cost me ten dollars.

charge The man charged me five dollars.

save John saved me fifteen dollars.

wish He wished us a pleasant journey.

A.3 به مورد استفاده to با فعل explain توجہ کنید: P. 78

A He explained the lesson TO ME.

### توضیحات

۱- مفعول غیر مستقیم همیشہ با حرف افافہ to بکار میرود از این

جهت این فعل معمولاً "درالگوی A" فراخواهد میگیرد.

۲- به چند فعل دیگر که مانند explain درالگوی A بکار میروند توجہ کنید:

announce The teacher announced the exam to us.

describe She described the event to her parents.

introduce Ben introduced his friend to me.

mention Don't mention it to anyone.

prove She proved the matter to them.

repeat We repeated our names to him.

say We said, "Good morning" to the teacher.

sneak Father didn't speak to the boys.

suggest He didn't suggest anything to us.

report She reported her progress to the teacher.

### الگوی های سابق

A

B

(1) Give a book TO MARY. GIVE MARY a book.

(2) ASK MARY a question.

(3) Explain the lesson TO MARY.

### الگوی های جدید

A

B

(1) Buy a book FOR MARY. Buy Mary a book.

(3) Open the door FOR MARY.

### توضیحات

- بعضی از افعال با حرف اضافه for بکار میروند و اگر آنها را در الگوی A

بکار بریم for قبل از مفعول غیرمستقیم قرار میگیرد.

The cashier changed the money for me.

\* بعضی از افعالی که با حرف اضافه for بکار میروند عبارتند از :

(1)

buy

get = buy; obtain

make

find

do

(3)

open

answer

close

cash

change

pronounce

prescribe

تذکرات : \* (1) افعال دسته (1) را میتوان در در الگوی فوق A و 3 بکار بردا.

A - She made some tea for us.

B - She made us some tea.

ولی افعال دسته (۳) را باید فقط در الگوی (A) با حرف اضافه for بکار برد.

He cashed the check for me.

باید توجه داشت که حتی در مورد افعال دسته (۱) نیز الگوی A بیشتر متداول است.

(۲) حرف اضافه for در الگوی A.4 بمعنی "برای" یا "با خاطر" میباشد.

Buy a book for Mary.

ولی for بمعنی "بجای" یا "به عوض" نیز بکار میروند. مثلاً در جمله زیر این حرف اضافه بهمین معنی بکار رفته است.

Alice is writing my letters for me because my arm is broken.

وقتی for بمعنی "بجای" بکار میروند نمیتوان آنرا حذف کرد درنتیجه فقط الگوی (A) برای این منظور مناسب است.

B.1 به فرم گذشته افعال بیقا عده (با تغییر در حروف صدادار) توجه کنید:

### الگوی سابق

SIMPLE PRESENT

We study every day.

PAST

We studied yesterday.

### الگوی جدید

SIMPLE PRESENT

We eat every day.

PAST

We ATE yesterday.

### توضیحات

اکثر افعال انگلیسی با قاعده میباشند و برای درست کردن گذشته آنها بسوی ed را به فرم ساده آنها اضافه مینماییم. تعداد زیادی از افعال نیز بطور بیقا عده به گذشته تبدیل میشوند. به بعضی از این افعال بیقا عده که با تغییر در حروف صدادار آنها به گذشته تبدیل میشوند توجه کنید:

حال → گذشت

eat	ate
give	gave
come	came
become	became
drink	drank

حال ← گذشت

meet	met
read	read
sit	sat
begin	began
see	saw

بکی از افعال فوق در مکالمه زیربکار رفته است :

A : Father gave Jane a pretty dress for her birthday.

B : What did he give you ?

A : He didn't give me anything; it wasn't my birthday.

بـ فرم گذشت افعال بیقا عده (بدون تغییر در حروف مدادار) توجه کنید : B.2

P. 84

SIMPLE PRESENT

We spend some money every day.

PAST

We SPENT some money yesterday.

بعضی از این افعال عبارتند از :

حال → گذشت

send	sent
lend	lent

حال ← گذشت

make	made
have	had

فرم زمان حال و گذشت افعال زیر بکی است : P.85

حال → گذشت

cut	cut
put	put
cost	cost
set	set

B.3 بـه فرم گـذـشـتـه اـفـعـالـ بـيـقاـعـهـ (بـا تـغـيـيرـ درـحـرـوفـ صـادـارـ وـحـرـوفـ بـيـ صـاـ) اـتـوـجـهـ گـنـدـ

Simple Present	Present Continuous	Past	Past Continuous
do	We <b>buy</b> something <b>every day</b> .	bought	We <b>BOUGHT</b> a book <b>yesterday</b> .
feel	feel	feel	feel

بعضی از این افعال عبارتند از:

حال	گـذـشـتـهـ	حال	گـذـشـتـهـ
do	did	say	said
feel	felt	go	went
sleep	slept	hear	heard
mean	meant	think	thought
leave	left	bring	brought

A.1 به مورد استفاده قیود حالت و صفات توجه کنید :

P.89

**قید**

John answered CORRECTLY.

**مفت**

The answer was CORRECT.

It was a CORRECT answer.

**مفرد**

**correct**

**correctly**

**quiet**

**quietly**

**bad**

**badly**

**clear**

**clearly**

**quick**

**quickly**

**sad**

**sadly**

**silent**

**silently**

**wise**

**wisely**

**sincere**

**sincerely**

**careful**

**carefully**

**beautiful**

**beautifully**

**easy**

**easily**

**slow**

**slowly (slow)**

**good**

**well**

**fast**

**fast**

**hard**

**hard**

**loud**

**loud (loudly )**

توضیحات: **قید حالت را معمولاً** با اخواة نمودن پسوند **ly** به مفت مورد نظر درست میکنند.

His answer was correct.

جوابش صحیح بود.

توصیف کننده عبارت اسمی

He answered correctly.

او درست جواب داد.

توصیف کننده عمل

بعضی از قیود از قانون فوق مستثنی میباشد.

مثال:

She is a hard worker.

She works hard.

She is a fast runner.

She runs fast.

He has a loud voice.

He talks loud (ly).

He is a good driver.

He drives well.

۱- با توجه به مثالهای فوق نتیجه میگیریم که بعضی از قیود با فرم صفتی آنها یکسان میباشد مانند hard و fast.

۲- بعضی از صفات مانند loud هم میتوانند بدون اضافه شدن ly در نقش قید بکار روند (این مورد بیشتر در فعالات رایج است) وهم تابع قانون کلسی قیودحالت باشد. (loudly)

۳- قید well با فرم صفتی آن کاملاً متفاوت میباشد.

P.90 تذکر: کلمه well میتواند در نقش صفت نیز بکار رود که در آین حالت معنی "سالم و تندرنست" میدهد.

My friend was sick, but now he is well.

A : How are you ?

B : Very well, thank you.

A.2 به ترتیب قرار گرفتن قیود حالت، مکان و زمان توجه کنید.

			فعل	مفعول مستقیم	قید حالت	قید مکان	قید زمان
He	spoke	English		rapidly	in class	yesterday.	
He	drives	his car		carefully	in the city	at night.	
He	drives			carefully	everywhere.		

توضیح: قید حالت معمولاً بعداً فعل قرار میگیرد و اگر فعلی دارای مفعول مستقیم باشد در آین حالت بعداً مفعول مستقیم بکار میروند.

۱- قیود معمولاً به ترتیب الگوی A. بکار میروند ولی المحوهای دیگری خیز وجود دارد، مثلاً "اگر فعلی مانند enter, come, go که حرکت را نشان میدهد) درجمله بکار رود قید حالت بعداز قید مکان قرار میکردد.

He entered the room quietly.

۲- در درس ۳ راجع به قیود مکان و زمان توضیح داده شده است.

تذکر: عباراتی مانند very much و a lot وقتی بعنوان قید بکار روند در

جای قیود حالت قرار میکنند یعنی بعد از فعل و مفعول آن.

A : She doesn't like milk VERY MUCH.

B : She likes coffee A LOT.

در درس ۶ عبارات فوق بعنوان صفت کمیتی بکار برده شدند.

جملات زیر را با درجمله فوق مقایسه نمائید :

C : She doesn't like VERY MUCH milk.

D : She likes A LOT of coffee.

در درجمله A و B عبارات very much و a lot قید میباشند و فعل

را توصیف میکنند درحالیکه در جملات C و D این دو عبارت

نقش صفت داشته و کمیت milk و coffee را نشان میدهد.

B. به مورد استفاده عبارات حرف اضافه بعنوان توصیف کننده توجه کنید:

### الگوی سابق (درس ۴ و ۵)

The CANADIAN student speaks French.

### الگوی جدید

- A. The student speaks French.
- B. He is FROM CANADA.
- C. = The student FROM CANADA speaks French.

### توضیحات

همانطورکه در الگوی سابق می بینیم صفت قبیل آن اسم بکار می رود در حالیکه عبارت خواهد اخفا ف اشاره ای توصیف اسم بعد از آن قرار می کند.

The student AT THE DOOR is new.

The store ON THE CORNER sells meat.

The student WITH MARY is nice.

The man IN THE BROWN suit is my father.

تذکر: در الگوی جدید مفهوم دو جمله A و B در جمله C بیان شده است.  
به ترجمه جمله C توجه کنید: شاگردی که اهل کانادا است فرانسه صحبت می کند.

P.93 تذکر: عباراتی که با حرف اضافه WITH بکار رود میتوانند مالکیت را نشان دهد.

The man is a teacher.

+ He has a book.

= The man WITH a book is a teacher.

مردی که کتاب در دستش است معلم میباشد.

مثالهای دیگر:

The house with big windows is ours.

خانه ای که پنجره های بزرگ دارد مال ماست.

The man with blond hair is a doctor.

مردی که موها بیش بور است دکتر میباشد.

The boy with a newspaper is John.

پسری که روزنامه در دستش میباشد جان است.

تذکر برای داشتجویان دوره عالی:

قیودی مانند قیدمکان وزمان نیز مانند عبارات حرف اضافه بعد از اسم قرار گرفته و آنرا توصیف میکند.

The shoestore is very large. It is DOWNTOWN.

A. The shoestore DOWNTOWN is very large.

جمله زیر را که در آن صفت قبل از اسم قرار گرفته با جمله فوق مقایسه نمایید:

The shoestore is very large. It is NEW.

B . The NEW shoestore is very large.

: مثالهای دیگر برای الگوی A

The table upstairs is long.

People everywhere want peace.

The teachers here are French.

The lecture yesterday was good.

The party last night was wonderful.

C . به دوالگوی که با کلمات استنها می بکارم و نت توجه کنید : P.94

### الگوی سابق ( درس ۴ )

جمله خبری

Mary sees MR. MILLER.

جمله سوالی

Does Mary see Mr. Miller ?

Yes.

سؤال با کلمه

WHO does Mary see ?

Mr. Miller.

استنها می

### الگوی جدید

جمله خبری

JOHN sees Mary.

جمله سوالی

Does John see Mary ?

Yes.

سؤال با کلمه

WHO sees Mary ?

John.

استنها می

( الگوی S )

## توضیحات

ا- در الگوی سادق (O) کلمه استفها می WHO مفعول جمله میباشد که در انگلیسی رسمی بصورت اصلی آن WHOM (چه کسی را) بکار میبرود.

مری چه کسی را میبیند؟ Who(m) does Mary see?

همانطور که قبلاً اشاره شد راین الگو بحای who(m) میتوان از کلمات استفها می دیگر نظیر what, when, where وغیره استفاده نمود. برای روشن شدن این مطلب به جمله توجه کنید.

X . John explained the lesson to Mary yesterday.

A      B      C      D      E

حال به ترتیب درباره قسمتهاي مختلف اين جمله سوال ميکنيم.

B- راجع به فعل جمله : What did John do?

جان چکار کرد؟

C- راجع به مفعول مستقيم :

What did John explain to Mary yesterday?

دیروز جان چه چیزی را به مری توضیح داد؟

D- راجع به مفعول غیرمستقيم :

Who did John explain the lesson to yesterday?

دیروز جان درس را به چه کسی توضیح داد؟

E- راجع به قیدzman جمله :

When did John explain the lesson to Mary ?

جان کی درس را به مری توضیح داد؟

توجه : در تمام موارد فوق جمله باید دارای ساختار فرم سوالی باشد

به همین علت استفاده از افعال کمکی نظیر did لازم میباشد.

۲- در الگوی جدید (S) کلمه استفها می WHO (who) فاعل یا مبتدای جمله میباشد.

بغایارت دیگر کلمه who بجای فاعل یا مبتدای جمله قرار گرفته است.

تذکر : همانطورکه در بالا شاره شد استفاده who در انگلیسی غیررسمی متداول است . در انگلیسی رسمی از whom استفاده نمیشود .

P.95 حال یکباره دیگر به جمله X توجه کنید و این بار راجع به فاعل جمله (John) A کنید .

Who explained the lesson to Mary yesterday ?

دیروز چه کسی درس را به مری توضیح داد ؟

با توجه به جمله فوق نتیجه میگیریم که هرگاه کلمه استفادهای ما مانند who و what و ... راجع به فاعل یا مستدای جمله سؤال کنند در فرم جمله تغییری داده نمیشود . در نتیجه از افعال کمکی نظیر do, does, did نیز استفاده نمیکنیم .

### مثالهای دیگر برای الگوی (S)

An accident happened last night.

What happened last night ? An accident.

تذکر : از الگوی S برای پرسش راجع به مشخصات فاعل نیز استفاده میکنند .

Ten students came yesterday.

اکنون تعداد شاگردان را سؤال میکنیم .

( الگوی S ) How many students came yesterday ? Ten.

واگرفاعل جمله برای ما شخصی باشد میتوان فقط از how many استفاده کرد .

( الگوی S ) How many came yesterday ? Ten.

سوال زیر راجع به فاعل مرفوظ از تعداد آن میباشد :

( الگوی S ) Who came yesterday ? Ten students.

LESSON 11  
The first lesson in the study of the English language is to learn the names of the parts of speech.

الآن في المدارس والجامعة، ولهذا السبب تم تغييره.

**A.** فرم و معنی افعال معین MODAL توجه کنید

Modal	مفرد استفاده	معنى ( معادل )
WILL	زمان آینده	(be going to )
CAN	توانائی	(be able to )
MAY	اجازہ	(be permitted to; have permission to)
MIGHT	امکان	(It is possible that...)
SHOULD	الزام	(ought to )
MUST	استنباط نتیجه‌گیری	(I conclude that .....) " " "
	احتمال	(It is very probable that .....)
	ضرورت	( have to )

I WILL study.	We WILL study .
YOU WILL study.	You WILL study .
He WILL study.	They WILL study .

- 1 . We'll read the book tomorrow . (We will.)
  - 2 . John CAN play the piano very well.
  - 3 . The students CAN smoke in the hall.
  - 4 . The students MAY smoke in the hall.
  - 5 . John MAY receive a letter today.
  - 6 . John MIGHT receive a letter today.
  - 7 . John SHOULD study every day.
  - 8 . Mr. Smith MUST be about forty years old.
  - 9 . Mary MUST study tonight. (She HAS TO.)

## توضیحات

۱- فرم افعال Modal برای تمام اشخاص یکی است در نتیجه در سوم شخص مفرد S به فعل اضافه نمیشود، "من" فعل اصلی که بعد از این افعال بکار میبرود همیشه بصورت مصدر است.

۲- در جملات خبری این افعال بعداً زفاعل (متدا) قرار میگیرند.

## P. 110 تذکرات :

-1 در کاربرد زمان آینده تقریباً "معادل be going to" میباشد.  
I'll study tonight.

I'm going to study tonight.

به فرم منفی Will بصورت اختصار توجه کنید :

I will not leave = I won't leave.

علاوه بر مورد استفاده فوق فعل معین WILL میتوانند دلایلی بر رضایت و تمایل فاعل چمله داشته باشد و دو فرم منفی عدم تمایل او را برسانند.

A: Will you help me ?

B: Yes, I will .

هیچیک از دوستانم بمن بول قرض نمیدهدند.

None of my friends will lend me money.

در انگلیسی رسمی برای اول شخص مفرد (I) و اول شخص جمع (WE) بجای Will از shall استفاده میکنیم .

I shall accept it.

We shall leave.

توجه کنید که در فرم سوالی will مفهوم آینده یا پیش بینی را میرساند.

Will we go to Boston ?

در حالیکه shall با فاعل I و WE در فرم سوالی مفهوم درخواست دارد. سوال وقتی با فاعل I بکار رود تمایل مخاطب مورد نظر است.

Shall I make some tea ?

واگر فاعل We باشد عقیده و نظر مخاطب را میپرسیم

به آنها تلفن بکنیم ؟ Shall we call them ?

۲- دریک عبارت فعلی بیش از یک **نمیتوانیم** کاربریم . عبارت دیگر

دلو **با هم بکار میشود** . **Modal**

**مثال جمله** **I presume you are able to run fast.** **Modal** بهدو

صورت بیان شود :

1. You must be able to run fast.

(**مورد استفاده** **must** برای بیان احتمال قوی )

استنباط من این است که شما میتوانید سریع بدوید

2. I presume you can run fast.

با توجه به ذکر فوق **You must can run fast.** غلط میباشد .

گذشته **can could**

Now she can speak three languages .

Last year she couldn't speak only one .

توجه : اگر بخواهیم فقط به یک مورد خاص از توانایی درگذشته اشاره کنیم

بهای **be able to** از **could** میتماشیم .

برای مثال جمله **We succeeded in visiting the British Museum.**

(**ما موفق به دیدن موزه بریتانیا شدیم** )

با **be able to** بیان میشود .

When we were in London, we were able to visit the British

Museum.

به کاربرد سایر افعال **Modal** توجه کنید :

MAY

اجازه

May I ask a question ?

You may bring your friend with you.

امکان

They may arrive soon.

It may rain today.

MIGHT ————— امکان

گذشته <sup>may</sup> در موارد زیر به مفهوم گذشته بکار می‌رود.

1 . He says he may come.

He said he might come.

تطابق زمانی

2 . He said, " I may go . "

He said (that) he might go.

جمله غیر مستقیم

علاوه بر موارد فوق <sup>میتوانند</sup> مانند <sup>may</sup> برای بیان امکان در حال و آینده نیز بکار رود. در این کاربرد <sup>معمولاً</sup> احتمال ضعیف تری را نسبت به <sup>might</sup> <sup>may</sup> نشان میدهد.

A : Will the teacher get here on time ?

B : I don't think so. He might arrive on time.

The Fifth Street buses are very slow.

SHOULD ————— الزام You should study hard.

توصیه This book is very interesting.

You should read it.

MUST ————— استنباط He is from Mexico.

نتیجه‌گیری He must speak Spanish.

او اهل مکزیک است

(نتیجتاً) باشد. بتوانند اسپانیائی محبث کند.

ضرورت We must obey laws.

ما باید از قوانین اطاعت کنیم.

توجه : منفی فعل <sup>must</sup> در کاربرد استنباط یا نتیجه‌گیری در انگلیسی رسمی میباشد.

A : Is this your jacket ?

B : Mine is light brown. This is dark brown; it can't be mine.

فرم دیگر طبق قاعده افعال منفی میگردد.

Jane is only eighteen years old.

She must not be the mother of three children.

اگر must not به معنوم نتیجه کیری بکار رود نمیتوان آنرا بحورت خلاصه بکار برد

She mustn't be the mother.....

وقتی دللت بر ضرورت میکند تقریباً "معادل have to" میباشد.

او باید آنرا انجام دهد

او مجبور است آنرا انجام دهد

نکته مهم : دو جمله فوق در فرم منفی معادل یکدیگر نیستند بعبارت دیگر منفی must و have to دو مفهوم کاملاً متفاوت را میرسانند.

او نباید آنرا انجام دهد

او مجبور نیست آنرا انجام دهد

گذشته فعل MUST : برای گذشته must (وقتی ضرورت را میتوساند) از had to استفاده میکنیم .

حال

گذشته

She must do it .

She had to do it .

She has to do it .

She had to do it .

توجه : گذشته MUST وقتی برای استنباط و نتیجه کیری بکار میرود در درس ۲ بحث خواهد شد .

### جوابهای کوتاه فرم خلاصه

will not	won't	No, he won't.
cannot	can't	No, he can't.
could not	couldn't	No, he couldn't.
may not		No, he may not.
might not		No, he might not.
should not	shouldn't	No, he shouldn't.
must not	mustn't	No, he mustn't.

### ماتخبری

Mr. Miller WON'T go to Chicago tomorrow.

Paul CAN'T speak French.

You MAY NOT drive without a license.

Paul MIGHT NOT go to George's house tonight.

Children SHOULDN'T play with matches.

Children MUSTN'T play with matches.

### توضیح

معمولاً بصورت خلاصه بکار نمی‌رود. **MIGHT NOT** و **MAY NOT**

ذکر : **CANNOT** معمولاً بصورت یک کلمه نوشته می‌شود.

توجه : نکات مهمی که راجع به فرم منفی HAVE TO و MUST در پایان صفحه ۱۱۲ و آبتدای صفحه ۱۱۳ آمده است در بخش مربوط به **MUST** توضیح داده شده است.

جمله خبری

John can

see Mary.

جمله سئوالی

Can John

see Mary?

Yes; he  
can.

جمله خبری

Mary can see someone.

مفعول

Who? (چه کسی را)

سئوال راجع به

Who can Mary

see?

Mr. Miller

مفعول (الگوی O)

(مری چه کسی را میتواند ببیند؟)

جمله خبری

Someone can see Mary.

فاعل (متدا)

Who?

چه کسی?

سئوال راجع به

Who can see Mary?

فاعل (الگوی S)

(چه کسی مری را میتواند ببیند؟)

### توضیحات

۱- در جملات سئوالی بدون کلمات استفهای افعال Modal قبل از فاعل (متدا) قرار میگیرند.

۲- اگر کلمات استفهای در الگوی O بکار روند در اینصورت نیز افعال Modal قبل از فاعل (متدا) قرار میگیرند.

۳- در هر دو الگوی O و S کلمات استفهای قبل از افعال Modal بکار روند.

Who can see Mary?

When will John sell his car?

What will John buy?

Who might see Mary in the library tonight?

Where can the students sit?

الگوی ۰ در درس ۴.A و الگوی S در درس ۹.C بحث شده است.

همانطور که قبل اشاره شد استفاده WHO در الگوی ۰ در انگلیسی غیر رسمی (مکالمات) متداول است. در موارد رسمی باید از WHOM استفاده نمود.

B.1 به مورد استفاده TOO (هم، همچنین) و AND در نقش رابط دو جمله توجه کنید. P.116

- A. John can play the piano.
- B. Alice can play the piano.
- C. John can play the piano, and Alice can too.
- D. George studies hard.
- E. Helen studies hard.
- F. George studies hard, and Helen does too.
- G. Paul is a student.
- H. Mary is a student.
- I. Paul is a student, and Mary is too.

### توضیحات

دو جمله ساده مشبّت را (ماستند A و B) که دارای یک گزاره (خبر) باشد میتوان مکمل AND بیکدیگر ارتباط داد و با TOO تبدیل به یک جمله ترکیبی نمود. (C)

A . John can play the piano.

(گزاره) predicate

B . Alice can play the piano.

(گزاره) predicate

C . John can play the piano, and Alice can too.

اما نظرور که در جمله C می بینیم بعد از AND گزاره بطور کامل تکرار نمی شود، در قسمت دوم این جملات ترکیبی با شوچه به زمان جمله و نوع فعل، یعنی از افعال (am, is, are, ..etc) to be (do, did, can, should, ...) ذوق شده است که این افعال نمی شود.

J. I know French, AND they do TOO.

K. She wrote a letter, AND Paul did TOO.

L. Father can swim, AND I can TOO.

M. He should walk, AND we should TOO.

ج. من فرانسه میدانم. آنها هم میدانند.

ک. او نامای نوشته. پال هم همینطور.

ل. پدر میتواند شنا کند. من هم میتوانم.

م. او باید پیاده برود. ما هم همینطور.

(1) Rosa is happy, AND we are TOO.

(2) He is going to play tennis, AND Alice is TOO.

ب. مورد استفاده در نقش رابط دو جمله توجه کنید: B.2 P.117

A . John ISN'T A TEACHER.

B . Mary ISN'T A TEACHER.

C . John isn't a teacher, AND Mary isn't EITHER.

D . Paul CAN'T PLAY THE VIOLIN.

E . Alice CAN'T PLAY THE VIOLIN.

F . Paul can't play the violin, AND Alice can't EITHER.

G . Helen DOESN'T PLAY BASEBALL.

H . Alice DOESN'T PLAY BASEBALL.

I . Helen doesn't play baseball, AND Alice doesn't EITHER.

## توضیح

دو جمله ساده مبنی بر (مانتند A و B) که دارای یک گزاره (خبر) باشد میتوان به کمک AND سیکدیگر ارتباط داد و با EITHER تبدیل به یک جمله ترکیبی نمود (C).

A. John isn't a teacher.  
(گزاره) predicate

جان معلم نیست

B. Mary isn't a teacher.  
(گزاره) predicate

مری معلم نیست

C. John isn't a teacher, and Mary isn't either.

جان معلم نیست . مری هم نیست .

Paul wasn't hungry, and George wasn't either.

Mr. Smith didn't forget the address, and Miss Ford didn't either.

Jane won't come here, and Tom won't either.

P.118 تذکر : در لکوی 1. B. .... بجای AND میتوان از استفاده کرد.

(1) I can go, AND John can TOO.

I know English, AND they do TOO.

She wrote a letter, AND Paul did TOO.

(2) I can go, AND SO can John.

I know English, AND SO do they.

She wrote a letter, AND SO did Paul.

جملات (1) با جملات (2) هم معنی میباشد.

در لکوی 2. B. نیز بجای AND ..... EITHER میتوان از استفاده کرد.

(3) Mary can't go, AND Helen can't EITHER.

Jim didn't come, AND Jane didn't EITHER.

You mustn't leave, AND we mustn't EITHER.

(4) Mary can't go, AND NEITHER can Helen.

Jim didn't come, AND NEITHER did Jane.

You mustn't leave, AND NEITHER must we.

جملات (3) با جملات (4) هم معنی میباشد.

توجه: در دوالگوی حدید  فعل کمکی بعدها ز (AND) EITHER و (AND) SO قسراً میگیرد و سپس  فاعل (متدا)

Mary can't go, and neither can Helen.

اگر جملات الگوی B.1 و B.2 بوسیله دو تغزیبیان شود استفاده از AND ضرورتی ندارد.

A : I'm tired.      A : I'm tired.

B : I'm, too.      B : So am I.

C : She didn't know it.      C : She didn't know it.

D : I didn't , either.      D : Neither did I.

: به جملات خبری که با BUT بهم ربط داده میشوند توجه کنید: P.119

ثبت

منفی

John IS A STUDENT.

MR.HILL ISN'T A STUDENT.

John is a student , BUT MR.HILL ISN'T.

منفی

ثبت

Mr. Hill ISN'T A STUDENT . John IS A STUDENT.

Mr. Hill isn't a student , BUT John is.

### توضیحات

در این الگو دو جمله که با BUT بهم ربط داده میشوند دارای گزاره‌های یکسان میباشد ولی یکی از آنها به فرم منفی و دیگری به فرم ثبت است.

I don't know Arabic, but my sister does.

My sister knows Arabic, but I don't.

John went, but Mary didn't.

Mary didn't go, but John did.

تذكرة:

میتوانندو جملہ مثبت یا منفی یا مفہوم متفاوت را نیز یہم ربط دد.

John will go to Detroit.

مثبت

Mary will go to Chicago.

مثبت

John will go to Detroit, but Mary will go to Chicago.

Father didn't like the service.

منفی

I didn't like the food.

منفی

Father didn't like the service, but I didn't like the food.

تجھے: دراين الکو دوجملہ بطور کامل تکرار نہیں کرو۔



<b>Put away</b>	= put tidily out of sight	جمع کردن و کنار گذاشتن
<b>Put on</b>	= dress oneself in	پوشیدن
<b>Put out</b>	= extinguish	خاوش کردن
<b>Put up</b>	= raise	با ابردن - بلند کردن
<b>Pick up</b>	= lift	(چیزی را از زمین) بودا شتن
<b>take off</b>	= remove	درآوردن (البسه)
<b>talk over</b>	= discuss	بحث کردن راجع به
<b>throw away</b>	= discard	دورانداختن
<b>turn on</b>	= switch on	روشن کردن (وسائل برقی)
<b>turn off</b>	= switch off	خاوش کردن (وسائل برقی)
<b>wake up</b>	= stop sleeping	بیدار شدن
<b>write down</b>	= make a note of	سادداشت کردن

تذکرہ : بعضی از کلماتی کہ میتوانند بعنوان قید بکار روند عبارتند از :

up, down, on, off, in, out, away, back, over.....

۲- در مورد افعالی نظیر **call on** کہ جزو دوم فعل (on) حرف اضافہ میباشد سمعوں جملہ چہ اسے باشد وچہ ضمیر در آخر قرار میگیرد.

**call on** = visit

**She called on Betty.**

**She called on her.**

بے بعضی از این افعال کہ جزو دوم آنها حرف اضافہ میباشد توجہ کنید :

**look at** = look for = search for

**listen to** = ask for = obtain, get/ require

**wait for** = think of = consider / imagine

**talk to/ with**

تذکرہ : بعضی از کلماتی کہ بعنوان حرف اضافہ بکار روند عبارتند از :

on, at, to, from, for, of, into,.....

\* این دسته از اصطلاحات را که در دو الگوی A و B بکار گیرند نشان می‌دهیم. زیاد میتوان فراگرفت و هر یک از آنها را جداگانه با معنی خاص خودنیاید به ذهن سپرک.

پس از این دو نکه جزء دوم اصطلاحی نقش قبیدی دارد و پا خوشایفه ضرورتی ندارد.

P.124 اصطلاحاتی که در کادر فوق مورد بحث قرار گرفت جزء افعال متعدد میباشند  
 (افعالی که نیاز به مفعول دارند) ولی اصطلاحات دیگری نیز وجود دارد کم جو افعال لازم هستند (افعالی که نیاز به مفعول ندارند)

### **verb + particle**

اصطلاحات زیر جزء افعال لازم میباشد :

Hurry up

عجله کسردن

Sit down

شیوه

## Stand up

بیر خا ستن

Get up

پیدا رشد

## **Take off**

بلندشدن (هوا پیما ، ۰۰۰۰۰) از زمین

## Look out

مواظف بودن - مراقب بودن

### Run out

## تہ کشیدن ب تھام شدن

The plane took off at 7 o'clock.

Look out ! There's a car coming.

Our money ran out yesterday.

بـه الـكـوـي اـصـلـاـحـات زـيـر تـوـجـهـ كـنـيـد :

## **VERB + PARTICLE + PREPOSITION + NOUN PHRASE**

**Look out for ....**

مواظب (چیزی) بودن

Look out for cars.

## کم آوردن = تمام کردن

#### Table 1. Results of the present study

WILLIAM H. BROWN, JR., CHIEF OF POLICE

ساختن (سازش کردن)

etc along with .....

John gets along with Paul.

QUESTION : Why did John go to the store ?

ANSWER 1 : He went to the store (IN ORDER) TO BUY SOME BOOKS.

**(in order) to + VERB EXPRESSION**

ANSWER 2 : He went to the store FOR SOME BOOKS.

**for + NOUN PHRASE**

### توضیحات

۱- اصطلاحات قیدی فوق در برابر سوال "چرا....؟" بکار رمی‌روند.

Q : Why did he come here ?

A 1 : He came in order to get his money.

A 2 : He came for his money.

۲- اصطلاح "معمولاً" به صورت خلاصه بکار رمی‌رود و فقط کلمه to

که علامت مصدری است بکار می‌رود.

A 1 : He came to get his money.

۳- بعداز (in order) to عبارت فعلی بکار می‌بریم و بعداز for از عبارت

اسمی استفاده می‌کنیم.

He came to hear the concert.

He came for the concert.

### تذکر:

۱- اصطلاح WHY می‌باشد.

What did John go to the store for = Why did John go to the store?

۲- در برابر سوال چرا.....؟ (why .....?) میتوان از SO THAT و BECAUSE و TO

تبریز استفاده کرد.

Why did John come here ?

جان چرا اینجا آمد؟

He came because he wanted to learn English.

جون میخواست انگلیسی بادیگیرد.

He came so that he could learn English.

تمد تا بتواند انگلیسی بادیگیرد.

C.1 به اصطلاحات قبیلی توجه کنید . P. 126

الگوی سابق

HOW does John speak ?

He speaks CLEARLY.

HOW does he write ?

He writes WELL.

الگوی جدید

A :

How did John come ?

He came BY PLANE.

How did he send the letter ?

He sent it BY AIRMAIL.

B :

John wrote

WITH A NEW PEN.

Mary answered

WITH A GESTURE.

## توضیحات

۱- اصطلاحات قیدی که در الگوی A در جواب HOW (چگونه - بجه وسیله) بکار رفته است از حرف اضافه BY ویک اسم درست شده است.

\* ترکیب BY ویک اسم یا وسیله ارتبا طی راشان میدهد:

by airmail

by letter

by radio

by post

by telephone

by telegram

ویا وسیله حمل و نقل را :

by plane

by bus

by train

by taxi

by car

by cab

۲- الگوی B که ترکیب عبارت اسمی + with میباشد معمولاً " وسیله انجام عمل ویا ایزارکاری راشان میدهد.

with a gesture

با ایناء و اشاره

with the details

با جزئیات

with anger

با خشم

with a smile

با تبریم

with a nod

با تکان دادن سر (به نشانه تائید)

with a new pen

با قلم جدید

with a key

با کلید

with a pencil

با مداد

with a screwdriver

با پیچ گوشی

with her new camera

با دوربین عکاسی جدیدش

\* تذکرہ:

P. 127 در الگوی A قبل از اسم مفردقابل شمارش از اجروف تعریف استفاده نشده است که این موضوع برخلاف قاعده متناول میباشد.

با یادتوخ داشت که عبارات by plane, by bus, ... etc به وسیله قلمیه خاصی اشاره نمی نماید بدین معنی که وقتی میگوئیم by bus (با اتوبوس) اتوبوس خاصی را در نظر نداریم.

حال اگر وسیله نقلیه با کلماتی نظر  
the, a, this, that, my, your, .....  
بکار رود ( کلماتی که مشخص کننده اسم میباشد ) بجای by باز in استفاده  
میکنیم و یا از on .  
معمولًا " با وسیله نقلیه کوچک و on با وسیله نقلیه بزرگ بکار میروند ) .

Let's go home in his car.

We came home on the six o'clock train.

C.2 به اصطلاحات قیسیدی توجه کنید . P. 128

John passed the test BY STUDYING HARD.

John learned English BY PRACTICING A LOT.

by + ing VERB EXPRESSION

### توضیح

بعد از هر حرف اضافه ( نظری by ) فعل به فرم ing - بکار میروند .

He learned English by studying English books.

او انگلیسی را سالمطالعه کتب انگلیسی فرا گرفت

### تذکر :

همانطور که در کادر C2 توضیح دادیم بعد از هر حرف اضافه ( by, in, of, from, without ) باید فرم -ing افعال را بکار ببریم . بنا بر آین جمله زیر طبق قاعده فوق صحیح است

He learned English by to practice a lot.

برای منفی کردن عبارت فعلی که با بکار میروند کلمه not را قبل از علامت مصدری to قرار میدهیم.

He came here in order not to miss the concert.

اینجا آمد تا کنسرت را از دست ندهد. (تا به کنسرت برسد)

He hurried in order not to be late for work.

عجله کرد تا دبیرکارش نرسد.

و برای منفی کردن فرم ing- افعالی نظیر (by) coming کلمه not را قبل از فرم ing- فعل قرار میدهیم.

He pleased them by not coming late.

او با دیرنیا مدن (با موقعیت آمدن) با عث خوشنودی آنها شد.

Mother blamed me for not obeying the teacher.

ما در مرآ بخاطر اطاعت نکردن از معلم ملامت کردیم.

### Lesson 13

A.1 به مورد استفاده مصدر با to توجه کنید . P.130

#### الگوی سابق (درس ۱۱)

George should go.

George will go.

#### الگوی جدید

George wants TO GO.

George plans TO GO.

#### توضیحات

۱- فعلی که بعد از WANT بکارمیروند باید بصورت مصدر با TO باشد.

۲- به چند فعل دیگر که مانند want در الگوی جدید قرار میگیرند توجه کنید .

agree	موافقت کردن	like	دوست داشتن
decide	تصمیم گرفتن	need	نیازداشتن
expect	انتظار داشتن	plan	در نظرداشتن
hope	امیدوار بودن	promise	قول دادن
intend	قصد داشتن	try	سعی کردن
learn	یاد گرفتن	seem	بینظر رسیدن
swear	سوکنده خوردن	attempt	کوشش یا می‌ادرت کردن

-----

They agreed to be here at six .

توافق کردند ساعت عا ایجا باشد .

She learned to read when she was four years old.

چهارساله بودکه خواندن را فرا گرفت .

A.2 به فرم خلاصه شده عبارات فعلی بعد از علامت مصدری (to) توجه کنید.

### الگوی سابق (درس ۱۱)

John doesn't study medicine. He should study medicine.

JOHN DOESN'T STUDY MEDICINE, BUT HE SHOULD.

### الگوی جدید

John doesn't study medicine. He wants to study medicine.

JOHN DOESN'T STUDY MEDICINE, BUT HE WANTS TO.

### توضیحات

- ۱- در الگوهای فوق دو جمله خبری بوسیله BUT بیکدیگر ربط داده شده اند.
- ۲- در مثال الگوی جدید عبارت فعلی بعد از علامت مصدری (to) حذف شده است.

John doesn't study medicine, but he wants to.

جان پزشکی نمیخواهد ولی میخواهدکه بخواهد.

دلیل حذف عبارت فعلی بعد از علامت مصدری این است که این عبارت قبلاً در

قسمت اول جمله آورده شده است (study medicine) بدینجهت تکرار آن ضروری نیست.

به بعضی از افعالی که در الگوی فوق بکار میروند توجه کنید.

plan to

need to

hope to

intend to

expect to

try to

decide to

have to

would like to

promise to

He didn't receive the money last week, but he's hoping to.

**جمله مثبت**

George promised to go.

**جملات منفی**

A

George DIDN'T PROMISE TO GO.

جرج قول نداده برود

B

George promised NOT TO GO.

جرج قول داده نزود

### توضیحات

۱- در جمله A تمام خبر جمله (گزاره) منفی شده است.

۲- در جمله B از مصدر (to go) ببعد منفی شده است.

به دو فرم منفی جملات زیر توجه کنید.

**مثبت**

She tried to help.

سعی کردکه کمک کند

**منفی**

She didn't try to help.

سعی نکردکمک کند

**منفی**

She tried not to help.

سعی نکرد کمک نکند

**مثبت**

John prefers to go.

جان ترجیح میدهد برود

**منفی**

John doesn't prefer to go.

جان ترجیح نمیدهد برود

**منفی**

John prefers not to go.

جان ترجیح میدهد نزود

دو فرم منفی فوق دو مفهوم متفاوت را می‌رساند.

الگوی سابق

A

George wants to go.

جرج میخواهد برود

الگوی جدید

B

George wants John to go.

## جرج میخواهد که جان برود

توضیحات

- ۱- در جمله "خان" مبتدای (فاعل) فعل دوم (go) میباشد.

فعل دوم معقولاً بصورت مصدر میباشد.

۲- در مثال الگوی جدید فعل دوم بصورت مصدر با <sup>to</sup> بکار رفته است.

به چندمثال دیگر توجه کنید

George would like me to go

**She expected us to be there.**

He wants Tom to help him.

## جرج: ما میل است من بروم

انتظار داشت که آنجا پا شیم

میخواهد که تمام به او کمک کند

P.135 تذکر: افعال زیر نیز در الگوی جدید (B) قرار میگیرند.

### **VERB + NOUN PURPOSE + INFINITIVE WITH TO**

**VERB + NOUN PHRASE + INFINITIVE**

تھیں میں کھنچنے پر permit

توصیه کردن به help advise

دستور دادن به force

~~أَنْتَ لِلْمُؤْمِنُ~~ — get

→ *Success*) — persuade

کوک کرنے والے

مکالمہ کے ملک

سکولاریتی

تہذیب

الگوی سابق

This lesson is easy.

الگوی جدید

A

TO UNDERSTAND THIS LESSON is easy.

B

THIS LESSON is easy TO UNDERSTAND.

#### INFINITIVE + NOUN PHRASE + BE + ADJECTIVE

A

WITH TO (OBJECT)

صفت + عبارت اسمی + مصدریاً + BE + صفت  
(مفعول)

#### NOUN PHRASE + BE + ADJECTIVE + INFINITIVE

B

(OBJECT)

WITH TO

عبارة اسمی + مصدریاً + BE + صفت + to + صفت  
(مفعول)

#### توضیحات

۱- در دو الگوی جدید عبارت اسمی (this lesson) مفعول فعل understand میباشد.

۲- با پیدتوجه داشتکه درمثال فوق صفت EASY به لحاظ ساختاری توصیف کننده کلمه lesson است اما در عین حال به لحاظ معنا شناسی (یا زرف ساخت در حقیقت توصیف کننده to understand میباشد).

یادگرفتن زبان چینی مشکل است.

Big cars are difficult to park.

پارک کردن اتومبیلهای بزرگ

مشکل است.

## تذکر :

۱- الگوی A فقط برای روشن شدن مفهوم B عنوان شده است.  
 از A هم متداول تراست وهم کاربرد بیشتری دارد.  
 الگوی زیر نیز که در درس ۱۴ بررسی خواهد شد از الگوی A رایج تر و مفیدتر میباشد.

It is easy to understand this lesson.

۲- وقتی عبارت مصدری مبتدای (فاعل) یک جمله قرار گیرد فعل آن جمله مفرد خواهد بود. به جمله دوم که در زیر آمده است توجه کنید.

- 1 . LONG WORDS are often difficult.
- 2 . TO PRONOUNCE LONG WORDS is often difficult.  
 مبتدا (نهاد)
- 3 . LONG WORDS are often difficult TO PRONOUNCE.

## چندمثال دیگر :

To drive big cars is expensive.

To wear these shoes is very practical.

To see poor people makes me sad.

## P. 137 تذکر :

در جمله this lesson عبارت اسمی this lesson is easy to understand مفعول فعل understand میباشد و اگر بخواهیم فاعل این فعل را بیاوریم باید آنرا بعد از حرف اضافه for قرار دهیم.

This lesson is easy FOR JOHN to understand.

This book is hard for me to learn.

This car is easy for us to drive

This bike is hard for Bill to ride.

الگوی فوق را میتوان با حذف مصدر خلاصه نمود.

This lesson is easy for John.

This book is hard for me.

etc.

تذکر برای دانشجویان دورهٔ عالی زبان انگلیسی  
در کادر ۱.A. الگوی زیر مورد بحث قرار گرفت:

George wants to go.  
George میخواهد برود  
مصدریاً فعل

الگوی جمله زیر شبیه الگوی فوق میباشد

George is ready to go.  
George آماده رفتن است  
(George be ready to go) مصدریاً صفت

دراین الگو George که مبتدای جمله است فاعل فعل دوم (go) میباشد.

"ذیلاً" به بعضی از صفاتی که در الگوی دوم بکار میبرود اشاره میکنیم:

able	تواننا - قادر	She's able to work now.
unable	نا توان - عاجز	We're unable to do it.
anxious	مشتاق	I'm anxious to see you.
eager	مشتاق	They're eager to help us.
willing	مایل	He's willing to join us.
unwilling	بی میل	Ed is unwilling to come.

در الگوی زیر که از نظر ساختار بالگوی فوق بکی است George ، که مبتدای جمله میباشد در واقع مفعول فعل دوم (understand) است .

George is easy to understand  
(صعبت یا درس اورا باسانی) مصدریاً صفت  
فهمیدن جرج آسان است  
میتوان فهمید

با یادگاری داشت که این تفاوت در نظر دستوری مبتدای جمله (George) در این دو الگو بدلیل معنی و کاربرد مختلف و مصدر موردنظر بوجود آمده است .

This car is hard to control.



پسران من میتوانند بشما کمک کنند



SITUATION	NEW PATTERN
John is <b>VERY</b> tired. Therefore, he can't study.	John is <b>TOO</b> tired to study.
John is 21 years old. Therefore he can vote	John is old <b>ENOUGH</b> to vote.

### توضیحات

-1 جائی خیلی بیش از حد "very"

چایی خیلی داغ است

A. The tea is very hot.

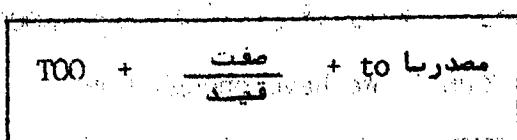
B. The tea is too hot to drink.

چایی آنقدر داغ است که نمیتوان آنرا نوشید (چایی بیش از حد داغ است)

2- از مقایسه دو جمله A و B متوجه میشویم که وقتی میگوییم :

The tea is very hot.

نمیتواند این مفهوم را داشته باشد که با وجود داغ بودن چایی نوشیدن آن ممکن میباشد بعبارت دیگر قید **VERY** مفهوم جمله را منفی نمی نماید در حالیکه **TOO** با توجه به معنی آن (بیش از حد) مفهوم منفی به جمله میندهد قبلاً **TOO** در الگوی زیربکار میروود:



She is too old to run.

بیش از حد پیر است که بتواند بود

I am too tired to work.

بیش از حد خسته ام که بتوانم کار کنم

He works too slowly to finish the job today.

آنقدر آهسته که رمیکند که نمیتواند مروز کار را تمام کند.

(بیش از حد کنند که رمیکند که بتوانند مروز کار را تمام کند)

توجه : در الگوی فوق از VERY نمیتوانیم استفاده کنیم.

۳- کلمه ENOUGH بمعنی " (بمقدار) کافی" بعداً زنده و صفت قرار میکیرد.  
به الگوی زیر توجه کنید:

صفت + ENOUGH + to مدرجاً  
قيد

She is old enough to vote.

آنقدر بزرگ هست که بتواند رأی دهد (سن شرایط رأی دادن کافی است)

I am not fast enough to win the race.

آنقدر سریع نیست که بتوانم مسابقه را ببرم (قدرت کافی سریع نیست که .....)

He runs quickly enough to win the race.

قدرت کافی سریع میدود که بتواند مساوی سریع را ببرد

He doesn't work fast enough to finish the job today.

آنقدر سریع کار نمیکند که بتوانند مروز کار را تمام کند.

تذکرہ:

کلمه ENOUGH هم قبل از اسم قرار میکیرد و هم بعد از آن

A . ENOUGH + NOUN : We have enough time.

B . NOUN + ENOUGH: We have time enough.

از دو الگوی فوق الگوی A بیشتر متداول است.

## Lesson 14

به مورد استفاده IT در جملات مربوط به زمان و وضع هوا توجه کنید. A.1 P.142

عبارت اسمی IT BE صفت

It is ten o'clock.

It is Tuesday.

زمان

IT BE

صفت

هوا

It is late.

It is nice today.

IT VERB

It rains in the summer.

It snows in the winter.

### توضیحات

۱- در جملات مربوط به زمان کلمه It یا فرمی از فعل BE بکار می‌رود و سپس یک عبارت اسمی و یا صفتی مانند late و early استفاده می‌شود.

۲- در جملات مربوط به وضع هوا بعداز It یا فرمی از فعل BE و یک صفت بکار می‌بریم و یا از افعالی استفاده می‌کنیم که شرایط جوی را نشان میدهد.

به بعضی از این افعال ذیلاً اشاره می‌کنیم:

rain

با راندن

ذوب شدن (برف)

snow

برف آمدن

باریدن بصورت رگبار

hail

تگرگ با ریدن

خنک شدن

sleet

warm up

گرم شدن

drizzle

clear up

روشن شدن (آسمان)

قطرات ریز . نهم باریدن

It's snowing.

It's thawing.

It's sleeting.

It's clearing up.

۳- در این آنکو It معنای خاصی ندارد والرزا ما " به چیزی اشاره نمیکند و تنها نقش آن پرکردن جای مبتدای جمله است.

\* در این جمله It میتواند ضمیری باشد بجای the sky

### تذکر :

- ۱- It is - میتواند بصورت خلاصه (It's) بکار رود.
- ۲- ذراگوشی که صفت بکار برده شده است بجای فعل BE از افعال دیگری نظیر SEEM, GET, BECOME نیز میتوان استفاده کرد.

It is late.

دیر شده است (دیراست)

It seems late.

بنظر میرسد دیر شده باشد

\*\* It gets warm in the afternoon.

بعداً زهرگرم میشود

It became cloudy.

آسمان ابری شد

\*\*\* فعل GET در صورتی معنی "شدن" میدهد که بعد از آن صفت بکار می‌ریم.

Get thirsty, sad, angry, hot, etc.

P.144 تذکر:

کلمه It را میتوان برای هویت یا شناسائی افراد نیز استفاده کرد.

Who is at the door ? It's John.

Who is on the phone? It's Mary.

Who is at the door? It's Helen and Alice.

Who was that ? It was my uncle.

Who was the man in the car ? It looked like Dr. Martin.

قیافه اش شبیه دکتر مارتین بود مردی که در اتوموبیل بود کی بود؟

A.2 به مورد استفاده IT برای بیان مسافت توجه کنید.

EXAMPLE 1

- A FROM PARIS TO ROME is 700 miles.  
B IT is 700 miles FROM PARIS TO ROME.

EXAMPLE 2

- A FROM HERE TO BRIGHTON is 20 miles.  
B IT is 20 miles FROM HERE TO BRIGHTON.  
C IT is 20 miles TO BRIGHTON.

توضیحات

۱- بروای بیان مسافت معمولاً "جمله را با IT IS (It's) شروع میکنند.

۲- در الگوی C عبارت FROM HERE را میتوان حذف کرد.

It is 2 miles to the park. تا پارک دو مایل راه است.

P.145

دو الگوی A و B هم معنی میباشند ولی B هم متداول تر است و هم کاربرد

بیشتری دارد. الگوی A صرفاً "برای روش نشدن معنی B عنوان شده است.

بعارت دیگر باید مفهوم A را با استفاده از الگوی B بیان کنید.

## الف) الگوی سابق (درس ۱۲ ب)

A TO UNDERSTAND THIS LESSON is easy.

B THIS LESSON is easy TO UNDERSTAND.

## الگوی جدید

A TO UNDERSTAND THIS LESSON is easy.

C IT is easy TO UNDERSTAND THIS LESSON

## توضیح

در این الگو کلمه IT دارای معنی خاصی نیست. وقتی عبارت معدودی را (to understand this lesson) به آخر جمله میبریم برای پر کردن جای این عبارت که نقش مبتدای جمله را داشته است از IT استفاده میکنیم.

TO SKI can be dangerous.

It can be dangerous to ski.

تذکر: دو الگو A و C هم معنی میباشند ولی C هم متداول تراست وهم کاربرد بیشتری دارد. الگوی A صرفاً برای روشن شدن معنی C عنوان شده است. عبارت بهتر مفهوم A را باید بالگوی C بیان کرد. جمله B شیوه A و C میباشد ولی چون در ابتدای این جمله از یک عبارت اسمی (this lesson) استفاده کرده‌ایم از این جهت با دو الگوی دیگر متفاوت میباشد. درواقع با کاربردن عبارت اسمی در اول جمله این موضوع را که مورد تأکید ماست مشخص کرده‌ایم. به مکالمه زیر سر در این مورد توجه کنید:

A : I don't understand this lesson.B : But I think this lesson is easy to understand.

**مفهوم :** عبارت این جمله میتواند معرفی کننده یک شیء باشد.

**A** A book is on the table.

**B** THERE is a book on the table.

**عبارت اسمی**

نا معین

**جمع :** عبارت قیدی

**A** Some books are on the table.

**B** THERE are some books on the table.

1- در جملات فوق کلمه THERE مفهی خاصی نداشته و صرفاً بجزی میباشد.

در جمله B بکار رفته است.

2- الگوهای A و B هم معنی میباشند ولی A زیاد رایج نیست بنابراین

برای بیان مفهوم A از الگوی B استفاده کنید.

با بدتوجه داشت که عبارت اسمی در الگوی B تعیین کننده قرم مفرد یا

جمع فعل (be) میباشد بدین معنی که اگر اسام مفرد قابل شمارش باشد (۱)

و یا اسمی غیرقابل شمارش (۲) از قرم مفرد فعل استفاده میکنیم و اگر

اسم جمع قابل شمارش باشد فرم جمع فعل را بکار میبریم (۳)

1) There is a cat on the wall.

مقداری میوه روی میز است.

3) There are two pens on the table.

تذکر : ۱- کلمه there که در الگوی فوق مورد بحث قرار گرفت با نقشه آنجا (آنچه) یعنوان فیدمکان متفاوت میباشد.

There's is a book there.

آنچا کتاب وجود دارد.

قیدمکان

با توضیحاتی که راجع به there is/are داده شد میتوان نتیجه گرفت که این عبارات فعلی معنی " وجود داشتن" بکار میروند . در این نوع جملات موقع صحبت کردن تکیه کلام روی there نمیباشد .

وقتی there ( آنجا ) در نقش قید مکان بکار میروند آنرا میتوان در اول جمله نیز بکار برد که در این صورت تکیه کلام بر روی این کلمه خواهد بود .

A : Where's the pen ?

قلم کجاست

B : THERE it is--- on the table. آنجاست - روی میز  
قید مکان

۲- در مواقع غیررسمی برخلاف اصول گرامری فرم مفرد is کافی بجای there are بکار برده میشود .

There's some books on the table.

ولی همیشه خصوصاً " در انگلیسی رسمی برای جمع عبارات اسمی فعل جمع ارجحیت دارد .

There are some books on the table.

تذکر : به فرم سوالی و منفی الگوی جدید توجه کنید .

P. 150

- جمله خبری There IS a book here.

جمله سوالی A : IS there a book here?

جوابهای کوتاه B : Yes, there is.

No, there isn't.

- جمله خبری (Tینده) There WILL be music at the party.

جمله سوالی A : WILL there be music at the party ?

جوابهای کوتاه B : Yes, there will.

No, there won't.

THE TABLE has legs.

The legs OF THE TABLE

THING

of the THING

THE DOG has legs.

The DOG'S legs.

ANIMAL

ANIMAL'S

JOHN has legs.

JOHN'S legs.

PERSONS

PERSON'S

### توضیحات

۱- برای کسره اضافه در مورد اشیاء از حرف اضافه OF قبل از عبارت اسمی استفاده میکنیم.

The leg of the table. پا به میز

۲- برای کسره مالکیت در مورد اشخاص و حیوانات پسوند'S را بعد از عبارت اسمی اضافه میکنیم.

The dog's legs

پا های سگ

John's legs

پا های جان

۳- حروف اضافه OF و پسوند'S اعلوه بر دلالت بر مالکیت در نقشهای وابسته دیگری نیز بکار میروند.

The work OF THE MACHINE

کار دستگاه

of the THING

THE BOY'S work.

کار آن پسر

PERSON'S

۴- فرم مالکیت قبیود زمان و یا عباراتی که کمیتی از زمان را نشان میدهند با اضافه کردن S' یا S درست میشود.

TODAY'S homework

YESTERDAY'S magazine

A WEEK'S vacation

TWO WEEKS' vacation

A DAY'S rest

TWO DAYS' rest

تذکر : فرم‌های فوق جزو قواعد متناول میباشند ولی انگلیسی زبان بعضی

اوقات آنها را "دقیقاً" رعایت نمیکنند. برای مثال به جمله زیر

TO WHOM DID YOU TALK?

"The father of the boy talked about the  
world's problems."

P. 152 تذکر :

۱- دو بسويد 'S' و 'S' را با یکدیگر مقابله کنید.

کتاب آن پسر The boy has a book. The boy's book.

( در اینجا مالک مفرد است بنا برآین علامت استروف قبل از S قرار میگیرد ) .

کتابهای پسرها The boys have the books. The boys' books.

( در اینجا مالک جمع میباشد بنا برآین علامت استروف بعد از S قرار میگیرد ) .

با پیشوجه کرد که درگفتار فرقی بین تلفظ the boys' و the boy's وجود ندارد و شنونده از موضوع گفتار متوجه جمع یا مفرد بودن اسم میشود .

البته این مشکل درمورد اسمی که با S جمع بسته میشود به وجود میآید درمورد اسمهایی که جمع بی قاعده دارند مطلب کاملاً روشن است .

The child's father.

The children's father.

The man's hat .

The men's hats .

The woman's dress .

The women's dresses .

از مثالهای فوق متوجه میشویم که درمورد جمع های بیقاعده اسم چه مسد باشد و چه جمع علامت استروف قبل از S قرار میگیرد . در گفتار نیز شنونده فرم جمع و مفرد را بهتر میتواند از یکدیگر تمیز دهد .

-۲- اسمی را که میخواهیم بعداز پسوند مالکیت (') بکاربریم اگر قبلًا ذکر شده

باشد دیگر تکرار نمیکنیم .

A : Do you have John's book ?

B : No, I have Mary's . ..... (نه کتاب مری .....)

A : Do you have John's books ?

B : No, I have Mary's . ..... (نه کتابهای مری نزدمن است .)

D. صفات ملکی و ضمائر ملکی را با یکدیگر مقایسه کنید .

### الگوی سابق ( درس E )

#### ضمائر ملکی

MINE مال من

YOURS مال تو

HIS مال او (مذکور)

HERS مال او (موئنث)

OURS مال ما

YOURS مال شما

THEIRS مال آنها

#### صفات ملکی

MY book کتاب من

YOUR book کتابت

HIS book کتابش (مذکور)

HER book کتابش (موئنث)

OUR books کتابها یمان

YOUR books کتابها یتان

THEIR books کتابها یشان

#### توضیحات

۱- بعداز ضمائر ملکی از عبارت اسمی استفاده نمیکنیم . این ضمائر بجای مفت  
ملکی و یک عبارت اسمی بکار میروند .

" MY books are here .

YOURS are on the table ."

کتابهای من اینجاست

مال شما روی میز است

(کتابهای شما روی میز است)

۲- ضمائر ملکی میتوانند هم اشاره به اسم مفرد یا یعندهم اسم جمع .

A : Where's your pen ?

B : Mine is here .

A : Where are your pens ?

B : Mine are here .

John's father sees Paul.

پدر جان پال را می بیند

الکوی S

Who sees Paul?

چه کسی پال را می بیند

WHOSE FATHER sees Paul?

پدر چه کسی پال را می بیند

Paul sees Mary's father.

پال پدر مری را می بیند

الکوی O

Who does Paul see?

پال پدر چه کسی را می بیند

Whose father does Paul see?

پال پدر چه کسی را می بیند

### توضیح

کلمه WHOSE حالت ملکی WHO میباشد.

Whose car is that?

آن اتوموبیل مال کیست؟

P. 155 تذکر: کلمات استفها می در درس‌های ۴، ۹-۱۰ و ۳-۱۱ تمرین شده است.

تلفظ who's و whose یکی است ولی معانی آنها با یکدیگر "کاملاً" فرق دارد.

Who's in that room?

چه کسی در آن اتاق است

Whose book is this?

این کتاب مال کیست

تذکر: اسمی را که میخواهیم بعذار whose بکار بریم اگر قبلًا ذکر شده باشد دیگر تکرار نمیکنیم.

A : WHOSE book do you have ?

B : John's . Whose do you have ?

A : Mary's .

به مورد استفاده ONE و ONES توجه کنید . F.

### الگوی سابق ( درس C - ۲ )

ضمیر ONE بجای اسم مفرد قابل شمارش و نامعین بکار میروند

" Did you buy A PENCIL ? "

" NO, I'm going to buy ONE tomorrow."

### الگوی جدید

بجای اسمی مفرد و نامعین بکار میروند ONE

"Do you want a shirt ? "

A "Yes, I want this ONE.

that ONE.

a large ONE.

a good ONE.

the red ONE.

this red ONE.

B بجای فرم جمع اسمی قابل شمارش بکار میروند ONES

"Do you want some shirts ? "

"Yes, I want some red ONES.

these red ONES.

a few nice ONES.

several new ONES.

five green ONES.

### توضیحات

-1 بجای اسم مفرد قابل شمارش بعداز this و ya بعدا ز مفاتی نظیر ONE red,good,large بکارمیروند کادر A

A : Do you want this apple ?

B : No, I don't want this one. Please give me the red one.

-2 ONES بجای فرم جمع اسامی قابل شمارش و بعداز مفاتی نظیر red,good large بکارمیروند (کادر B) . ولی نمیتوان آنرا بلاقاطه بعد از

\* five,a few, several,some,these

"Do you want some shirts ?"

C "Yes, I want some."

these.

a few.

several.

five.

\* کلماتی نظیر five, a few, some (اعداداً صلی) که جزو مفاتی کمیته میباشد قبل از ONES بکارنمیروند ولی میتوان آنها را به تنهاشی بعنوان ضمیر بکاربرد (کادر C)

بکاربردن فرم جمع دو مفت اشاره (these,those) نیز قبل از ONES متداول نیست.

A.1 بے مورد استفاده توجه کنید DIFFERENT FROM, THE SAME AS

P.158

My pencil and your pencil are the same.

There is no difference.

My pencil is THE SAME AS yours.

John's coat is long and brown.

Paul's coat is small and gray.

John's coat is DIFFERENT FROM Paul's.

توضیح

عبارات different from, the same as بجای مقایسه دو شخص، دو شے

دومکان، دو حیوان وغیره بکار میروند.

My car is the same as yours.

اتوموبیل من هیچ فرقی با اتوموبیل شما ندارد: (هردو یکی است)

A squirrel is different from a beaver.

بنجاب با سک آبی فرق دارد.

تذکر: در بعضی موارد بجای different than، different from استفاده

میشود ولی درنوشتار different from ارجحیت دارد.

تذکر: در جمله‌ای مثل like My coat is like yours. کلمه like بمعنی "تقربنا" یکسان با P.159

با "شبیه" میباشد.

کت من شبیه کت شما است.

My coat is similar to yours.

### الگوی سابق :

My pencil is THE SAME AS yours.

### الگوی جدید :

My pencil is THE SAME length AS yours.

My pencil is AS long AS yours.

### توضیحات

width	عرض	This street is the same <u>width</u> as that.
height	بلندی - ارتفاع	I'm the same <u>height</u> as you.
depth	عمق	This lake is the same <u>depth</u> as that.
weight	وزن	She's the same <u>weight</u> as you.

This shirt is the same price as that one.

قیمت این پیراهن با آن یکی است (هردویک قیمت میباشد )

wide	عريض - بهن	This street is as wide as that.
high	مرتفع	This tower is as high as that one.
tall	بلند	I'm as tall as you.
deep	گود - عمیق	This lake is as deep as that.
heavy	سنگین	She's as heavy as you.

This shirt is as expensive as that one.

این پیراهن به گرانی آن یکی است .

P. 160 تذکر: اصطلاحاتی که کمیت را نشان میدهد (much, many, little, few, ...)

هم با این اسم وهم به تنها شی بین as...as بکار روند.

(به تمرین ۳ مراجعه شود)

Bob bought as many books as George.

ا) اصطلاحات فوق وقتی بینوان ضمیر (بدون اسم) بکاربرده میشوند که مرجع

ضمیر ما مشخص نباشد.

A : How much money do you need?

B : I need as much as John.

P. 161 تذکر: بین as ..... as از قیدنیز بینوان استفاده کرد (تمرین ۴)

او به دقت شما مینویسد. She writes as carefully as you.

من بخوبی تو شنا میکنم. I swim as well as you.

او بسرعت من نمیتواند بددود. He cannot run as fast as I (can).

P. 163 تذکر برای دانشجویان دوره عالی:

بعد از as ..... as بینوان یک جمله بکاربرد.

1. John speaks English as fast as he reads it.

ولی اغلب موارد فقط قسمتی از جمله را میآوریم.

2. Mary reads English as fast as Paul (reads English).

3. Mary reads English as fast as (she reads) French.

درمثال (۲) چون عبارت reads English در قسمت اول جمله بکار رفته است

بنابراین حذف آن مشکلی در فهم جمله بوجود نمی آورد.

درمثال (۳) سیز عبارت she reads بین دلیل حذف شده است که فاعل

وفعل آن (reads) در قسمت اول جمله آمده است.

درمثال (۲) که عبارت فعلی دو قسمت جمله یکسان است بینان بجای عبارت

فعلی حذف شده از فعل کمکی does استفاده کرد. به مثال (۴) توجه کنید.

4. Mary reads English as fast as Paul does.

مثال دیگر:

He ran as fast as I did.

همچنین میتوان قسمتهاشی از فعل be و فعال کمکی modal را بهای تمام عبارت فعلی بکاربریم.

5 . She is as tall as Paul is.

6 . She can swim as fast as Paul can.

در مثالهای ۵، ۶ و ۷ را میتوان حذف نمود؛ بکاربردن

این افعال اختیاری است ولی اگر بجای اسم (Paul) از ضمیر استفاده شود کلمات "Ra معمولاً" does, is, can,..... بکارمیبریم.

7 . Mary reads English as fast as he does.

8 . She is as tall as he is.

9 . She can swim as fast as he can.

توضیحات فوق در مورد اصطلاحات زیر نیز صادق است. در تمام این اصطلاحات

با از than استفاده شده است و یا از as باز است.

A . The same as ( BUT not LIKE )

The same ....as

as .....as

B : more .....than ( به تمرین مراجعه شود )

- er than

\* کلمه like حرف اتفاقه میباشد بنا براین از قواعد فوق مستثنی است. بعد از این کلمه یک عبارت اسامی بکارمیبرد و ضمیر بعد از آن نیز به فرم مفعولی خواهد بود.

او شیوه خواهان من لباس میپوشد.

She dresses like my sisters.  
She dresses like them.

بنا براین جملات زیر درا نکلیسی رسمی بکاربرده نمیشود.

a ) She dresses like my sisters do.

b ) Throw the ball like I do.

Paul is tall.	Paul is careful.
John is very tall.	John is very careful.
John is taller than Paul.	John is more careful than Paul.

### توضیحات

-ER

MORE

کلمه **-er** پسوند رابه صفات و قیودی اضافه میکنیم که بک بخشی باشد.

tall                      taller

clear                    clearer

fast                     faster

hard                    harder

nice                    nicer

quick                  quicker

He is taller than I

او از من بلند تر است.

He works harder than I.

او از من سخت تر کار میکند.

(b) پسوند **-er** همچنین به صفات و قیود دوبخشی که به **y** ختم میشوند اضافه میشود.

busy                    busier

easy                    easier

happy                  happier

heavy                  heavier

lazy                    lazier

pretty                prettier

early                    earlier

کلمه **more** (a) قبل از قیود و صفاتی بکار میرود که اکثراً "از دو بخش یا بیشتر تشکیل شده باشد.

careful                more careful

beautiful             more beautiful

expensive            more expensive

interesting           more interesting

important            more important

necessary            more necessary

often                   more often

She's more careful than I.

My car is more expensive than yours.

(b) کلمه **more** همچنین قبل از قیودی بکار میرود که دارای پسوند **ly** باشد

carefully             more carefully

clearly                more clearly

easily                  more easily

quickly                more quickly

rapidly                more rapidly

quietly                more quietly

easily                   more easily

فرم تفصیلی صفات و قیودزیر بی قاعده میباشد.

good	better	far	farther(further)
well	better		
bad	worse		
badly	worse		

تذکر : دو کلمه further و farther میتوانند بجای یکدیگر بکار روند (این قاعده بیشتر در انگلیس متداول است) ولی در انگلیسی رسمی (خصوصاً در زبان آمریکائی) "برای مسافت و بمعنی " بیشتر- اضافی یادیگر farther نکار میزود.

- 1 . Your house is farther from here than mine is.
- 2 . For further information contact the main office.
- 3 . A further example.

C. به قیود صفات عالی که با -EST و MOST درست میشوند توجه کنید.

John is taller than Paul, but George is THE TALLEST.	John is more careful than Paul, but George is THE MOSE careful.
---	--

### توضیحات

۱- صفات و قیودی که فرم تفصیلی آنها به -er ختم میشوند برای فرم عالی آنها از پسوند -est استفاده میکنیم.

(a) صفات و قیود یک بخشی

tall	taller	the tallest
clear	clearer	the clearest
etc.		

John is the tallest boy in our class.

جان بلندقدترین پسر کلاس ما میباشد.

(b) صفات دو بخشی که به y ختم می شوند.

busy	busier	the busiest
easy	easier	the easiest
etc.		

فرم عالی قبود و صفات زیر بی فاصله میباشد.

good	better	the best
well	better	the best
bad	worse	the worst
badly	worse	the worst
far	farther	the farthest

۲- صفات و قبودی که فرم تفصیلی آنها با more درست می شود برای فرم عالی P.167

آنها از most استفاده میکنیم.

(a) برای صفات دو بخشی یا بیشتر

careful	more careful	the most careful
beautiful	more beautiful	the most beautiful

برای قبودی که پسوند ly میگیرند. (b)

carefully	more carefully	the most carefully
clearly	more clearly	the most clearly

Mary works the most carefully of all the employees in her office.

تذکر: اصطلاحات the most و more .....than با اسمی نیز بکار می روند.

(تمرین ۱۲)

Mary has more books than Alice.

Helen has the most books.

-1 more و most هردو بعنوان ضمیر نیزبکار میروند که در نتیجه اسمی بعذار آنها استفاده نمیشود.

Alice has a lot of intelligence.

Mary has more than Alice.

Helen has the most.

more متضاً less -

most مختفیا شد . LEAST مینباشد .

ببطورکلی سیتوان گفت که less و least با همان کلماتی بکارمیروند که

بعد از **more** و **most** استفاده میکنیم. تنها استثناء این قاعده در مورد

اسامی قابل شمارش میباشد ( جملات D )

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1 . John and Paul are more careful than George.

(A) -2 . George is LESS CAREFUL than John and Paul.

3. George is THE LEAST CAREFUL.

### - جان و پال از جو ج دقیق تر اند

= دقت جریج از جان ویل کمتر است.

۳- جیج کمترین دفتر را دارد (جیج بی دقت ترین است).

بسا قیود

John and Paul write MORE CAREFULLY than George.

(B) George writes LESS CAREFULLY than John and Paul.

**George writes THE LEAST CAREFULLY.**

پا اسٹم غیر قابل شمارش

more & less / the most & the least

John and Paul have MORE TIME than George.

(C) George has LESS TIME than John and Paul.

George has THE LEAST time.

باب اسم قابل شمارش

more \* fewer / the most \* the fewest

John and Paul have MORE BOOKS than George.

(D) George has FEWER BOOKS than John and Paul.

George has THE FEWEST BOOKS.